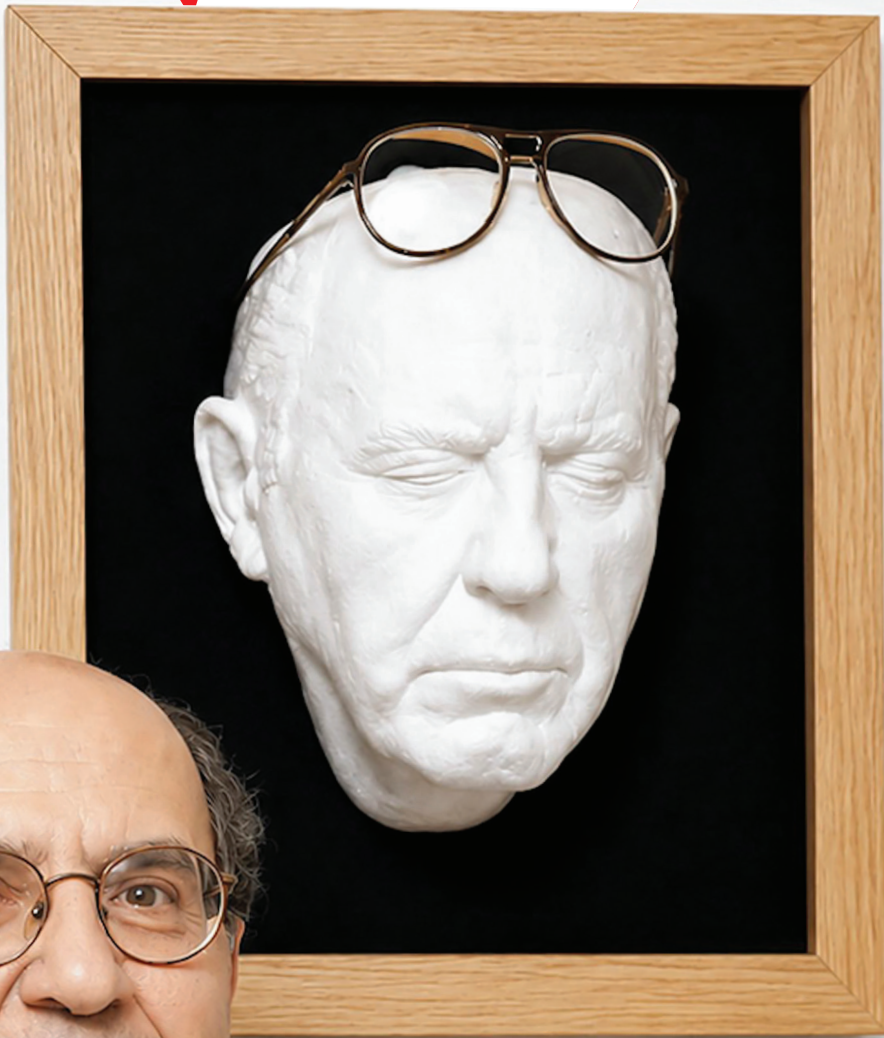


۲  
گفتارچهار قاب از یک مسیر  
محمد عطریان‌فر۵  
تماشاشروع بد  
درباره مرد سه‌هزار چهره۷  
کوچهفرمان دولتی  
آخرین تحولات موتورسواری زنان

# روشنفکر هنرمند

**جواد مجابی**، نویسنده، نقاش، طنزنویس و روزنامه‌نگار، پس از یک دوره بیماری در ۸۷ سالگی درگذشت براساس اعلام خانواده؛ پس از خاکسپاری، به مدت ۷ روز در خانه‌اش به‌منظور یادبود و ادای احترام، پذیرای علاقه‌مندان، دوستان و اهالی فرهنگ و هنر خواهند بود

سازندگی به زندگی و زمانه او پرداخته است



## بیژن مومیوند

گروه اندیشه



جواد مجابی، نویسنده، شاعر، طنزپرداز، نقاش و منتقد ادبی و روزنامه‌نگار، از نسل روشنفکران و هنرمندان چندوجهی که ادبیات، هنرهای تجسمی، مطبوعات و نقد فرهنگی را در کنار یکدیگر دنبال می‌کرد و آثارش چند دهه در جریان‌های مختلف فرهنگی ایران تأثیرگذار بود، دیروز، شنبه ۱۴ شهریور پس از یک دوره بیماری درگذشت. در تمام سال‌هایی که جواد مجابی فعالیت داشت، همواره مرزی ملموس را میان انزوا و حضور رعایت می‌کرد. او علاوه بر تأثیر قابل ملاحظه‌ای که در فرهنگ این سده داشته، خلوتی مفید و آسوده را نیز برای خویش فراهم کرده است که خانواده‌اش به‌پاس حفظ این خلوت اعلام کرده‌اند، پیکر مجابی پس از مراسم تشییع به خاک سپرده خواهد شد و مراسم دیگری برای او برگزار نمی‌شود. بر اساس اعلام خانواده، پس از خاکسپاری مجابی به مدت ۷ روز در خانه‌اش او، برای دوستانش و اهالی فرهنگ و هنر باز خواهد بود تا علاقه‌مندان بتوانند برای یادبود و ادای احترام به او به خانه‌اش مراجعه کنند.

ادامه در صفحه ۴

۶  
توسعه

## به‌گام عراق

اختلال در تنگه هرمز چه فرصتی را  
برای همسایگان ایران فراهم کرده است؟

### یادداشت روز

## فقط گوش شنوا کافی نیست

دولت در نیمه راه، دیگر نمی‌تواند همه ضعف‌ها را  
به گذشته و بحران‌ها نسبت دهد

### حسین سلاح‌وری

رئیس سازمان ملی کارآفرینی ایران



دولت چهاردهم به نیمه راه رسیده است. دو سال از چهار سالی که در اختیار داشت، گذشته و اکنون دیگر می‌توان با فاصله‌ای منصفانه از شور انتخابات و ملاحظات ماه‌های نخست درباره کارنامه آن سخن گفت. این دو سال، روزگار آرامی نبود. دولت از همان آغاز با اقتصادی فرسوده، کسری‌های انباشته، تحریم، ناترازی انرژی و کاهش قدرت خرید مردم روبه‌رو شد. پس از آن نیز درگیری‌های منطقه‌ای، جنگ و نااطمینانی‌های سیاسی، عرصه را تنگ‌تر کرد. هیچ ارزیابی منصفانه‌ای نمی‌تواند این شرایط را نادیده بگیرد یا همه کاستی‌های امروز را یکسره به پای دولت بنویسد. اما شرایط دشوار، مسئولیت دولت را از میان نمی‌برد. دولت‌ها اساساً برای روزهای آسان انتخاب نمی‌شوند. اگر قرار بود در هوای آرام، با خزانه پر، روابط خارجی عادی و اقتصادی بی‌مسئله کشور را اداره کنند، تفاوت چندانی میان مدیران باقی نمی‌ماند. عیار دولت درست زمانی معلوم می‌شود که منابع محدود است، بحران‌ها پشت سر هم می‌رسند و هر تصمیم، هزینه‌ای واقعی دارد. با چنین معیاری، کارنامه دو ساله دولت در بعضی حوزه‌ها قابل دفاع نیست. در انرژی، صنعت، معیشت و برخی مسائل اجتماعی، ضعف‌هایی وجود دارد که دیگر نمی‌توان آنها را صرفاً به گذشته، تحریم یا جنگ نسبت داد. تعطیلی یا کاهش ظرفیت کارخانه‌ها بر اثر کمبود برق و گاز، سرگردانی بنگاه‌ها میان مقررات متغیر، دشواری تأمین ارز و مواد اولیه، فشار مداوم تورم بر خانوار و فرسایش اعتماد عمومی، مسائلی نیستند که مردم فقط در گزارش‌ها بخوانند؛ آنها هر روز با آثارشان زندگی می‌کنند. انتظار هم این نیست که دولتی در دو سال همه این گرفتاری‌ها را برطرف کند. بخش بزرگی از مسائل ایران محصول چند دهه سیاستگذاری نادرست و انباشت تصمیم‌های پرهزینه است. از هیچ دولت عاقلی نمی‌توان خواست در مدتی کوتاه این حجم از ناترازی را جمع کند. آنچه می‌توان و باید انتظار داشت، مشاهده جهت اصلاح است: اینکه معلوم باشد دولت مسئله را شناخته، اولویت خود را انتخاب کرده، مسئول حل آن را تعیین کرده و حاضر است در برابر نتیجه پاسخگو باشد.

نگرانی اصلی اینجاست. دو سال گذشته اما هنوز در بسیاری از حوزه‌ها نمی‌دانیم برنامه عملی دولت چیست، مسئول مستقیم هر ناکامی چیست و چرا مدیر یا سیاستی که نتیجه نداده همچنان بدون ارزیابی جدی ادامه پیدا می‌کند. از ترمیم تیم اجرایی، بازنگری در برخی سیاست‌ها و کنار گذاشتن شیوه‌های آزموده و ناموفق نیز نشانه‌ای متناسب با ابعاد مشکلات دیده نمی‌شود.

در عوض، بارها از رئیس‌جمهور شنیده‌ایم که دولت آماده شنیدن نظرهاست؛ هرکس راهکاری دارد، ارائه کند و هرکس بهتر می‌تواند کاری انجام دهد، پا پیش بگذارد. این سخنان از روحیه‌ای صادقانه و پذیرای گفت‌وگو حکایت دارد. در کشوری که منتقدان گاه به‌جای شنیده شدن، متهم می‌شوند، داشتن رئیس‌جمهوری که از شنیدن نظر مخالف هراسی ندارد، کم‌ارزش نیست. با این همه، شنیدن آغاز کار حکومت است نه پایان آن. ایران کمبود نظر و پیشنهاد ندارد. درباره اصلاح بودجه، نظام بانکی، بازار انرژی، محیط کسب‌وکار، سیاست ارزی، نظام حمایتی و بسیاری مسائل دیگر، آنقدر گزارش و برنامه نوشته شده که شاید یک دولت فرصت نکند همه آنها را بخواند. دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی، اتاق‌های بازرگانی، تشکله‌ها، مدیران باتجربه و حتی بدنه کارشناسی خود دولت، سال‌هاست درباره این مسائل هشدار داده‌اند. بسیاری از رادحل‌ها نیز ناشناخته نیستند. مشکل اصلی، کمبود نسخه نیست؛ دشواری انتخاب، هزینه تصمیم و ضعف اجراست.

ادامه در صفحه ۲

خبر

ذهن پویا را به زنجیر نکشیم

پزشکیان: وقتی جوان ما به خیابان می‌آید مقصر ما هستیم نه او



**گروه سیاسی:** مسعود پزشکیان روز گذشته «معدن» اصلی ایران را نه در دل کوه و زمین که در ذهن و توان فرزندان این کشور جست‌وجو کرد: «ما به معادن نفت و گاز و مس و طلا افتخار می‌کنیم درحالی که هر کدام از فرزندان این کشور با ارزش‌تر و قیمتی‌تر از این معادنی هستند که داریم. کافی است، توان و پتانسیل این بچه‌ها را به فعلیت تبدیل کنیم؛ لذا هر کدام از این بچه‌ها می‌توانند، کاری کنند که خیلی با ارزش‌تر از معادنی است که داریم».

در همین چارچوب، رئیس‌جمهور در آئین افتتاح و بهره‌برداری از مجتمع آموزشی و فرهنگی سپهبد شهید محمد باقری (نخستین دبیرستان شبانه‌روزی هوشمند پلیس) آموزش و پرورش را «حیاتی‌ترین و مهم‌ترین» بخش کشور دانست که «می‌تواند مملکت را نجات دهد» و ادامه داد: «جوان ما وقتی که وارد خیابان می‌شود و با مشکل مواجه است، مقصر ما هستیم نه آن جوان». پزشکیان توضیح داد: «ما نتوانسته‌ایم او را درست آموزش دهیم و نتوانسته‌ایم در او این باور و اعتقاد را ایجاد کنیم که او سازنده این مملکت است نه ما. از ما دیگر گذشته است، آنان باید فردا پیانند و کشور را بسازند» و به همین دلیل «باید در نگاه خود نسبت به آموزشی که ارائه می‌دهیم، تجدیدنظر کنیم».

او گفت: «ذهن پویاست و ذهن پویا را نباید به زنجیر کشید» و افزود: «اینکه چگونه این ذهن را هدایت کنیم تا خلاقیت، رحمت، عزت و آن چیزی که در ذهن شکل می‌گیرد به ظهور برسد، مربوط به مهارت ماست». به همین دلیل «باید فرزندان‌مان را آموزش دهیم که یک‌بعدی بزرگ نشوند و همه‌فن‌حریف تعلیم ببینند». رئیس‌جمهور تأکید کرد: «کار اصلی از این به‌بعد شروع می‌شود؛ اینکه چگونه تربیت و آموزش دهیم و چگونه یاد بدهیم که فرزندان‌مان فکر کنند و با یکدیگر کار کنند و اندیشه را به زنجیر نکشیم».

پزشکیان تأکید کرد: «به هر نقطه‌ای که برسیم باید دوباره حرکت کنیم و به قله بالاتر برویم. زندگی یعنی رفتن به سوی اوج و این اوج خدایی است و محدودیتی برای بالاتر رفتن وجود ندارد زیرا همیشه می‌توان بهتر شد، بهتر دید، بهتر فکر کرد، بهتر مدیریت کرد، بهتر کار کرد، مزنده‌ها را کاهش داد و باکیفیت‌تر بود». به باور او اگر چنین نگاهی در نسل آینده شکل بگیرد، «پویایی و خلاقیت زندگی در جامعه جان می‌گیرد»؛ وگرنه «تکرار روزمره‌ها، انسان را در همان وضعیت نگه می‌دارد».

رئیس‌جمهور همچنین تصریح کرد: «باید کاری کنیم که پویایی، خلاقیت، همکاری، همدلی و همراهی شکل بگیرد و هر لحظه خودمان را با دنیایی که درحال حرکت است، مقایسه کنیم. ما نباید از کسی عقب بمانیم. عقب ماندن یعنی در قالب قرار گرفتن و ماندن در قالب، یعنی به بت تبدیل شدن». او با اشاره به حضرت ابراهیم(ع) گفت باید بتوان هر چیز را «با برهان، دلیل و منطق» سنجید چراکه «ذهن پویا هر چیزی را بدون اندیشه و تحلیل نمی‌پذیرد».

پزشکیان در نهایت از «هم‌افزایی» گفت: «به‌جای اینکه با یکدیگر دعوا کنیم و تصور کنیم یا باید یکدیگر را قبول کنیم یا قبول نکنیم باید یاد بگیریم که فکر‌ها و اندیشه‌ها را در کنار یکدیگر قرار دهیم و به هم کمک کنیم». او هشدار داد: «نباید تصور کنیم که فقط باید یک نفر دستور بدهد و دیگران اطاعت کنند؛ اینجاست که کار را خراب می‌کنیم». رئیس‌جمهور در پایان، بار دیگر به نسل آینده بازگشت؛ نسلی که به گفته او باید کشور را تحویل بگیرد و بسازد: «(باید دست به دست هم دهیم و در مسیر آموزش، تربیت، پویایی، خلاقیت، همکاری و توانمندسازی نسل آینده حرکت کنیم تا بتوانیم، کشور را به سمت قله‌های بالاتر هدایت کنیم».

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

چهار قاب از یک مسیر

از شورای اطلاع‌رسانی تا تجربیات پزشکیان



**محمد عطریان‌فر**  
عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

با استقرار نظام جمهوری اسلامی، نهاد سپاه پاسداران از ارکان مهم و مؤثر به همت فعالان انقلابی تأسیس شد. من نیز در تأسیس دفتر سپاه اصفهان، در حد توان و موقعیت، همراهی داشتم. در آغاز لباس سبز پاسداری و درجه‌بندی وجود نداشت و دوستان با همین لباس شخصی و بی‌درجه فعالیت می‌کردند. بر اساس تجربیات فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی پیش از انقلاب به همراه دوستانی در تأسیس سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی فعال بودیم، بعدها بسیاری از آنان از مسئولان ارشد سپاه یا دولت شدند. به‌خاطر دارم برادرمان آقا محسن رضایی که از شخصیت‌های مؤثر شورای فرماندهی کل سپاه بودند برای بررسی و انتخاب شورای فرماندهی استان اصفهان به این شهر آمد و حسب ارتباط پیشین به منزل پدری من وارد شدند و پیامد مشورت‌های لازم، گزینه‌هایی برای عضویت شورای فرماندهی سپاه اصفهان مطرح شد.

**۲** نهاد ریاست جمهوری، تشکیلات متنوع اطلاع‌رسانی دارد، دفتر شخص رئیس‌جمهور دفتر ارتباطات رسانه‌ای دارد. وزارت ارشاد و نهادهای وابسته ازجمله خبرگزاری و روزنامه ایران نوعی تشکیلات اطلاع‌رسانی برای دولت‌اند. شورایی هم به‌نام اطلاع‌رسانی برای دولت تعبیه شده است. این چندگانگی در اطلاع‌رسانی دولت، حیرت‌آور است. بی‌تردید این همه پراکندگی روزی باید جمع شود و با تنظیم معنادار، پاسخگو بوده و منشأ توفیق بیشتری شود. نهاد اطلاع‌رسانی دولت متشکل از افراد حقیقی و حقوقی هستند و وظیفه مشورت برای دولت دارد. نهاد جمع‌شده اطلاع‌رسانی دولت در آینده باید با جامعه ارتباط وثیق و مستمر داشته باشد و انتظارات شهروندان را به سمع و نظر مسئولان برساند. در ۸ ماه گذشته در شورای اطلاع‌رسانی با

ادامه یادداشت روز

فقط گوش شنوا کافی نیست

دعوت از مردم و کارشناسان برای ارائه راه‌حل، زمانی معنا دارد که دولت سازوکاری روشن برای تبدیل نظر به تصمیم داشته باشد. پیشنهادها کجا بررسی می‌شوند؟ چه کسی میان گزینه‌های متعارض داوری می‌کند؟ کدام دستگاه مسئول اجراست؟ نتیجه در چه زمانی سنجیده خواهد شد؟ و اگر برنامه به نتیجه نرسید، چه کسی مسئولیت آن را می‌پذیرد؟ اگر پاسخی برای این پرسش‌ها وجود نداشته باشد «ما آماده شنیدن هستیم» به‌تدریج از یک فضیلت به پوششی برای تعلل تبدیل می‌شود؛ انگار مشکل کشور این است که هنوز کسی راه درست را به دولت نشان نداده است. مردم برای همسین کار به دولت اختیار داده‌اند. دولت بودجه، سازمان، قانون، نیروی انسانی و قدرت تصمیم دارد. می‌تواند از اقتصاددان، صنعتگر، کارگر و فعال اجتماعی مشورت بگیرد اما نمی‌تواند، مسئولیت انتخاب را میان آنان توزیع کند. اداره کشور مسابقه یافتن بهترین پیشنهاد نیست. هنر دولت این است که از میان راه‌های پرهزینه و ناقص، کم‌هزینه‌ترین و عملی‌ترین را برگزیند، دلیل انتخابش را توضیح دهد و آن را تا رسیدن به نتیجه دنبال کند. رئیس‌جمهور نیز قرار نیست شخصاً پاسخ همه مسائل را بداند. چنین انتظاری نه ممکن است و نه مطلوب.

مهم‌ترین وظیفه او این است که آدم‌های توانمند را در جای درست بگذارد، اولویت‌های دولت را روشن کند، اختلاف دستگاه‌ها را پایان دهد و اجازه ندهد، مسئولیت میان وزارتخانه‌ها دست‌به‌دست شود تا سرانجام بی‌صاحب بماند. در یک دولت منسجم، نمی‌توان وزارتخانه‌ای برای حفظ تولید تصمیمی بگیرد و دستگاهی دیگر همان تصمیم را با بخشنامه‌ای خنثی کند. نمی‌توان از سرمایه‌گذار خواست وارد میدان شود و هم‌زمان قواعد بازی را هر چند ماه تغییر داد. نمی‌توان از بنگاه انتظار افزایش تولید داشت اما درباره برق، گاز، ارز، واردات مواد اولیه و قیمت محصول هیچ افق

حضور اینجانب، گفت‌وگوها و همفکری‌های خوبی جریان داشته است. ازجمله طرح ضرورت پیشنهاد انتشار اسامی جان‌باختگان حوادث ۷۸ و ۷۹ دی ماه بود که به دولت ارائه شد و مورد تأیید قرار گرفت. در آن مقطع، شهید لاریجانی در موقعیت دبیر شورای عالی امنیت ملی، نظر همراه داشت و تصمیم گرفت. درخصوص حضورم در شورای اطلاع‌رسانی گرچه در آن مقطع با توجه به بحران‌های حادث شده و درگیری با آمریکا و اسرائیل، پذیرش این عضویت کمی دور از انتظار نزد برخی دوستان بود و بیش و کم با اعتراض آنان مواجه بودم و آنان تصمیم مرا مورد نقد و رد قرار می‌دادند اما دغدغه وجدانی مرا هشداری داد که عدم پذیرش یعنی عافیت‌طلبی؛ نسل ما که جوانی‌شان در متن مبارزه و فشار و سختی سپری شده، نسل سخت‌کوشی بوده است و دلیلی نداشت و ندارد که عافیت‌طلب باشیم.

**۳** نقش شورای نگهبان، تأیید صلاحیت و نظارت بر انتخابات است و در طول کمتر از چهار دهه این نهاد هر روز به مدد نظارت استصوابی نیرومندتر شده و قدرت دخالتش را افزایش داده است. اصلاح‌طلبان معتقدند، نهاد شورای نگهبان حفظ حرمت‌اش الزامی است. اما نقد اصلاح‌طلبان به برخی عملکرد ناموجه تعدادی از اعضا و جهت‌گیری‌های جناحی آنان برمی‌گردد. اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۳ ابتدا نظرشان به آقای جهانگیری بود و آقای پزشکیان به‌معنای تشکیلاتی برگزیده از درون احزاب جبهه اصلاح‌طلبان نبود. با درصلاحیت آقای جهانگیری سمت‌وسوی تمایل اصلاحات به طرف آقای پزشکیان رفت. ضمن اینکه اگر چنانچه آقای لاریجانی هم تأیید صلاحیت می‌شد، چه بسا در غیاب چهره‌های مرتبط با جبهه اصلاحات، برخی از اصلاح‌طلبان از او حمایت می‌کردند. امروز به‌سادگی فهمیده می‌شود که چرا باید تدبیر رهبری شهید را در رد تصمیم شورای نگهبان که ناظر به عدم تأیید صلاحیت آقای پزشکیان بود را ستایش و قدرشناسی کنیم زیرا ایشان به مناسب‌ترین گزینه که نماد وحدت در شرایط

بحرانی حاکم بود، توجه کرده و حمایت حقوقی و دفاع از حق مشروع نامزد باصلاحیتی چون پزشکیان را کردند. اگر غیر از پزشکیان، شخص دیگری رئیس‌جمهور می‌شد، چه بسا امروز در موقعیت وفاق ملی نبودیم.

**۴** مسعود پزشکیان حسب تجربیات خود، حس می‌کند با جامعه نمی‌تواند، لفظ قلم صحبت کند. پزشکیان ادبیات محاوره‌ای و واژگان خودش را دارد و می‌گوید، من اینم! آمادگی ندارد به سازوکارهای رسانه‌ای پیشنهادی دیگران ملنزم شود به‌گونه‌ای که راه و رسم خودش را فراموش کند و حتماً این دقت نظر ایشان منطقی و محل تأمل است. نمی‌توان به دلیل بیان برخی حقایق به صداقت و ادبیات ارتباطی پزشکیان با شهروندان ایراد گرفت. رئیس‌جمهور به لسان قوم به تشخیص خود با جامعه صحبت می‌کند. پزشکیان به اطرافیان خود که آنان توصیه‌هایی مبنی بر تغییر زبان گفت‌وگوی رئیس‌جمهور با مردم دارند، می‌گوید، بگذارید من خودم باشم. آقای روحانی به تیم‌های مشورتی رسانه‌ای پیرامون خود توجه می‌کرد. آقای روحانی شخصیتی سیاسی، دیپلماتیک، امنیتی و پارلمانی بود. آقای هاشمی‌رفسنجانی، چهره‌ای راهبردی و از مؤسسين نظام بود و نحوه ارتباط با مردم را خود به‌خوبی به‌طور مؤثر پی می‌گرفت.

آقای خاتمی فردی با منش والای فرهنگی بر امواج احساس طبقات فهم جامعه، مردم کوچه و بازار را با رغبت و انعطاف همراه داشت. در انتخابات ریاست جمهوری، آقای پزشکیان در رویکردهای تبلیغاتی، گفت‌وگوها و نشست‌های عمومی با مردم، پدیده‌ای منحصر و متفاوت و نوظهور بود و همین نکته، تفاوت‌ها را با دیگر رقبا آشکار می‌کرد. با این حال اکنون باید اذعان کرد که شعار وفاق ملی و دولت ایشان در حد بضاعت و محدودیت و روح عمومی توافق مورد حمایت جریان اصلاح‌طلب است؛ البته با تکیه بر مقدرات و با عطف عنایت به سیاست‌های نظارتی تنگ‌وتار و سخت‌گیری‌های بی‌وجه نظارت شورای محترم نگهبان.

بنگاه‌داری و مداخله روزمره در بازار نیز حضور بی‌قاعده آن به همان اندازه زیان می‌زند.

اقتصاد ایران با یک دولت توانمند و یک بخش خصوصی قدرتمند امکان برخاستن دارد. این دو رقیب یکدیگر نیستند. بخش خصوصی سالم در سایه دولت آشفته و تصمیم‌های بی‌ثبات رشد نمی‌کند. دولت ضعیف الزاماً میدان را به کارآفرین نمی‌دهد؛ بیشتر اوقات میدان را به صاحبان رانت و رابطه واگذار می‌کند. بنگاه واقعی به قانون روشن، قرارداد معتبر، سیاست قابل پیش‌بینی و رقابت منصفانه نیاز دارد. فراهم کردن این شرایط، وظیفه‌ای است که هیچ بخش خصوصی نمی‌تواند به جای دولت انجام دهد.

دو سال باقی‌مانده هنوز فرصت کمی نیست؛ مشروط بر آنکه دولت نیمه دوم راه را مانند نیمه اول ادامه ندهد. اکنون زمان آن است که رئیس‌جمهور با همان صراحتی که از دیگران راحل می‌خواهد از مدیران خود نتیجه بخواهد. حوزه‌های ناکارآمد را مشخص کند، تیم اجرایی را بدون ملاحظه‌های شخصی و جناحی ارزیابی کند، چند اولویت محدود و قابل سنجش برگزیند و مسئولیت هر کدام را به مدیری بسپارد که هم اختیار داشته باشد و هم بابت نتیجه، پاسخ بدهد.

اگر سیاستی شکست خورده، کنار گذاشتن آن عقب‌نشینی نیست. اگر مدیری توان اداره مسئولیت خود را ندارد، تغییر او بی‌وفایی نیست. اگر موانعی بیرون از اختیار دولت وجود دارد باید دقیق و بی‌پرده با مردم در میان گذاشته شود. جامعه می‌تواند، دشواری را بفهمد اما پلانتکلیفی و بی‌تصمیمی را برای همیشه تحمل نمی‌کند.

آقای رئیس‌جمهور، گوش شنوا برای دولت شما یک امتیاز است؛ اما ایران امروز بیش از شنیده شدن به حل شدن مسائالش نیاز دارد. مردمی که زیر فشار تورم و نااطمینانی زندگی می‌کنند، نمی‌توانند سال‌ها منتظر بمانند تا گفت‌وگوها سرانجام به تصمیم برسد.

کشور فقط با گوش شنوا اداره نمی‌شود. دستی توانا هم لازم است؛ دستی که انتخاب کند، هماهنگ کند، تغییر دهد و کار را به سرانجام برساند. در پایان این چهار سال نیز داوری مردم بر همین اساس خواهد بود: نه اینکه دولت چند نظر را شنید بلکه اینکه چند گره را واقعاً باز کرد.



سال نهم شماره ۲۳۱۹  
یک‌شنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۵

بررسی تحولات جهان

افق

# دوئل تعرفه‌ای

جنگ تجاری بین کانادا و آمریکا بالا گرفت

**گروه بین‌الملل:** جنگ تجاری میان کانادا و آمریکا در آستانه ورود به مرحله‌ای تازه قرار گرفته است؛ جایی که اتاوا آماده می‌شود از روز سه‌شنبه ۱۷ شهریور تعرفه‌های تلافی‌جویانه خود علیه کالاهای آمریکایی را اجرایی کند، درحالی‌که هنوز هیچ برنامه‌ای برای از سرگیری مذاکرات تجاری دو کشور پیش از این موعد وجود ندارد. این وضعیت می‌تواند به اعمال تعرفه‌های بیشتر از سوی واشنگتن و تشدید جنگ تجاری در آمریکای شمالی منجر شود.

**اتاوا پای تعرفه‌ها ایستاد**

مارک کارنی، نخست‌وزیر کانادا، هفته گذشته تعرفه‌های جدیدی را بر کالاهای آمریکایی به ارزش حدود ۲۸ میلیارد دلار اعلام و تاریخ اجرای آنها را ۱۷ شهریور تعیین کرد. این تعرفه‌ها طیف گسترده‌ای از کالاهای فولاد و آلومینیوم گرفته تا منسوجات، محصولات لبنی، اجاق‌ها و صدها کالای دیگر را دربرمی‌گیرد. این اقدام در واکنش به تعرفه‌های ۵۰ درصدی دونالد ترامپ بر کالاهای کانادایی به ارزش ۲۸ میلیارد دلار انجام شده است؛ تعرفه‌هایی که ماه گذشته و پس از شکست مذاکرات تجاری در آخرین لحظات اعمال شدند. دولت ترامپ نیز هشدار داده که اجرای تعرفه‌های کانادا بدون پاسخ نخواهد ماند. یک منبع آگاه از بحث‌های داخل کاخ سفید گفته که دولت آمریکا امیدوار است حداکثر تا چهارشنبه ۱۸ شهریور به اقدام اتاوا پاسخ دهد.

دیپلماسی

## در پیچ شورای امنیت

تلاش آمریکا، فرانسه، آلمان و انگلیس برای فشار جدید به ایران

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

روند هسته‌ای ایران، بار دیگر در آستانه ورود به مرحله‌ای تازه قرار گرفته است؛ مرحله‌ای که اگرچه در ظاهر از ساختمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آغاز می‌شود اما در واقع به میدان گسترده‌تری از تقابل ایران و آمریکا کشیده شده است. بر اساس متن پیش‌نویسی که خبرگزاری رویترز به آن دست یافته و به گفته دیپلمات‌ها، آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان در تلاشند شورای حکام آژانس در نشست هفته آینده، قطعنامه‌ای را تصویب کند که مسیر ارجاع دوباره پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل را هموار کند؛ اقدامی که می‌تواند پس از دو دهه، پرونده تهران را بار دیگر در مرکز مناقشات شورای امنیت قرار دهد.

**پرونده‌ای قدیمی در شرایطی جدید**

پیش‌نویس جدید در ادامه قطعنامه‌ای قرار می‌گیرد که ۱۲ ژوئن سال گذشته تصویب شد؛ قطعنامه‌ای که ایران را به دلیل همکاری نکردن کامل با تحقیقات آژانس درباره آثار اورانیوم کشف شده در برخی سایت‌های اعلام نشده، ناقض تعهدات پادمانی خود معرفی کرد. اما آنچه اهمیت این قطعنامه جدید را دوچندان می‌کند، تغییر بنیادین شرایط از زمان تصویب قطعنامه قبلی است. تنها یک روز پس از آن تصمیم، اسرائیل حملات هوایی خود علیه تأسیسات هسته‌ای ایران را آغاز کرد و آمریکا نیز اندکی بعد وارد جنگ شد. در جریان این حملات، شماری از تأسیسات غنی‌سازی ایران با منهدم شدند یا آسیب‌های سنگینی دیدند. از آن زمان یکی از اصلی‌ترین گره‌های میان تهران و آژانس، مسئله دسترسی پازرسان به تأسیسات آسیب‌دیده است. ایران اجازه بازگشت بازرسان آژانس به مراکز هسته‌ای هدف حمله را نداده و در مقابل، آژانس نیز توانسته درباره وضعیت ذخایر اورانیوم غنی شده ایران، راستی‌آزمایی کاملی انجام دهد.

**قطعنامه‌ای که فعلاً شمشیر نیست**

پیش‌نویس مورد نظر از مدیرکل آژانس می‌خواهد که قطعنامه جدید و تصمیمات پیشین را برای اعضای آژانس، شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل ارسال کند. همچنین از ایران می‌خواهد آنچه که در متن، موارد عدم پایبندی به توافق‌نامه پادمان‌ها خوانده شده را «فورا» برطرف کند و اقدامات لازم برای ارائه تضمین درباره صحت و کامل بودن اطلاعات هسته‌ای خود را انجام دهد. با این حال این متن هنوز نهایی نشده و مذاکرات درباره جزئیات آن ادامه دارد. حتی در صورت تصویب قطعنامه در شورای



**توافقی که در دقیقه ۹۰ فرو ریخت**

کانادا و آمریکا در ۲۷ مرداد به یک توافق تجاری اولیه نزدیک شده بودند؛ توافقی که براساس آن کانادا حاضر شده بود، امتیازات تجاری قابل‌توجهی بدهد و بخشی از تعرفه‌های آمریکا را بپذیرد، در مقابل واشنگتن تعرفه‌ها را کاهش دهد و تعرفه جدیدی وضع نکند. اما سه روز بعد، در ۳۰ مرداد و کمتر از یک ساعت مانده به پایان مهلت نهایی کارنی دستور داد، مذاکره‌کنندگان کانادایی میز مذاکره را ترک کنند. اتاوا می‌گوید، آمریکا در آخرین لحظات تغییراتی در متن توافق ایجاد کرده بود که آن را برای کانادا بسیار نامطلوب می‌کرد؛ در مقابل، واشنگتن مدعی است، کانادا پس از توافق اولیه خواستار امتیازات تعرفه‌ای بیشتری شده بود. اکنون با نزدیک شدن به ۱۷ شهریور، توپ دوباره به زمین دو کشور بازگشته است؛ اما این بار خطر آن وجود دارد که تعرفه‌های تلافی‌جویانه به دور تازه‌ای از اقدامات متقابل و تشدید جنگ تجاری میان دو همسایه تبدیل شود.

اروپا

## ابتکار دیپلماتیک جدید

ویتکاف و کوشتر به مسکو رفتند

استیو ویتکاف و جرد کوشتر، فرستادگان ویژه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با پیشنهادی برای پایان دادن به جنگ، روز شنبه با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در مسکو دیدار و گفت‌وگو کردند و قرار است روز یک‌شنبه نیز گفت‌وگویی با ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین در کی‌یف انجام دهند. این درحالی است که ترامپ از آغاز یک «ابتکار دیپلماتیک جدید» برای پایان دادن به جنگ روسیه علیه اوکراین خبر داده است. اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا درحالی است که ویتکاف و کوشتر از زمان آغاز به کار ترامپ در ژانویه ۲۰۲۵ بارها برای گفت‌وگو درباره پایان دادن به جنگ روسیه علیه اوکراین به مسکو سفر کرده‌اند اما این نخستین سفر آنها به اوکراین محسوب می‌شود. در جزئیات آنچه میان فرستادگان ویژه آمریکا و رئیس‌جمهور روسیه گذشته، خبری منتشر نشده است. در مقابل اما رئیس‌جمهور اوکراین در شبکه اجتماعی ایکس از سفر استیو ویتکاف و جرد کوشتر به کشورش ابراز خرسندی کرده و نوشته است: «ما درحال آماده شدن برای این سفر هستیم. همانند سفرهای دیپلماتیک قبلی هیأت آمریکایی، اطمینان حاصل خواهیم کرد که حریم هوایی روسیه به‌طور عادی فعالیت کند تا مذاکره‌کنندگان بتوانند با امنیت به مقصد برسند. ما مراقب آنها خواهیم بود.» زلنسکی همچنین اعلام کرده، همراه با فرستادگان ویژه آمریکا «به‌دنبال راهکارهای واقعی برای پایان دادن به این جنگ است». پیش از این کی‌ریلو بودانوف، رئیس دفتر رئیس‌جمهور اوکراین اعلام کرد که کی‌یف، پیشنهاد آتش‌بسی را به روسیه ارائه کرده که شامل توقف حملات به خاک اوکراین و درگیری‌ها در امتداد خط مقدم می‌شود. بودانوف در گفت‌وگویی با شبکه دولتی سوسپیلن بدون ارائه جزئیات گفت که این پیشنهاد به شخص ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه تحویل داده شد. در همین حال سخنگوی کرملین اعلام کرد ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه توقف حملات به کی‌یف را به مدت سه روز آینده به دلیل سفر نمایندگان ترامپ به مسکو صادر کرده است.



دولت ترامپ در هفته‌های اخیر تلاش کرده میان دو هدف تعادل برقرار کند: افزایش فشار بر تهران و جلوگیری از تبدیل آن به جنگی تمام‌عیار پیش از انتخابات. تشدید تحریم‌های اقتصادی، تهدید کشورهای طرف معامله با ایران و حفظ فشار نظامی از اطراف تنگه هرمز در همین چارچوب قابل تفسیر است. حملات محدود اخیر آمریکا علیه ایران نیز نشان می‌دهد واشنگتن گزینه عملیات مقطعی را کنار نگذاشته است؛ حملاتی که می‌توانند، هزینه‌هایی را به ایران تحمیل کنند بدون اینکه الزاماً آمریکا را وارد جنگی گسترده کنند.

رویتز نیز گزارش داده که مقام‌های ارشد کاخ سفید از هم‌اکنون بررسی می‌کنند که آیا پس از انتخابات ۳ نوامبر عملیات نظامی علیه ایران تشدید شود یا خیر. با این حال هنوز تصمیمی قطعی برای بازگشت به یک جنگ تمام‌عیار اتخاذ نشده است.

**بعد از انتخابات چه می‌شود؟**

اگر جمهوری‌خواهان در انتخابات پیروز شوند، ترامپ ممکن است فضای سیاسی بیشتری برای افزایش فشار علیه ایران پیدا کند؛ به‌ویژه اگر نتیجه انتخابات به‌عنوان نشانه‌ای از رضایت یا دست‌کم مخالفت ناکافی افکار عمومی با سیاست‌های دولت تفسیر شود. در مقابل، شکست جمهوری‌خواهان می‌تواند، محدودیت‌های سیاسی و قانونی بیشتری برای کاخ سفید ایجاد کند. کنترل یکی یا هر دو مجلس توسط دموکرات‌ها به مخالفان ترامپ امکان می‌دهد درباره نحوه مدیریت جنگ، هزینه‌های نظامی و تصمیمات دولت، تحقیقات بیشتری انجام دهند و تأمین مالی عملیات نظامی را دشوارتر کنند. با این حال حتی شکست جمهوری‌خواهان نیز الزاماً به معنای پایان فشار علیه ایران نیست. محمود سریع‌القلم، استاد دانشگاه شهید بهشتی، با اشاره به فاصله زمانی پس از انتخابات تا آغاز دوره بعدی ریاست‌جمهوری آمریکا این بازه را دورهای حساس می‌داند و معتقد است از ۴ نوامبر تا ۲۰ ژانویه، دست ترامپ برای عملیات نظامی بازر تر خواهد بود. از این منظر، نتیجه انتخابات می‌تواند به پایان بحران بلکه تعیین‌کننده شکل بعدی آن باشد.

**جنگی که هنوز تمام نشده**

واقعیت این است که فشار علیه ایران دیگر در یک جبهه دنبال نمی‌شود. پرونده هسته‌ای در آژانس، فشار سیاسی در سازمان ملل، تحریم‌های اقتصادی، فشار بر شرکای تجاری ایران، حضور نظامی در اطراف تنگه هرمز و حملات مقطعی همگی می‌توانند، اجزای یک استراتژی واحد باشند. دولت ترامپ پس از جنگ‌های ۱۲ روزه و ۴۰ روزه که به اهداف اصلی خود در ایران دست نیافت اکنون ظاهراً به‌جای انتخاب میان «جنگ» و «صلح» مسیر فرسایش را دنبال می‌کند؛ مسیری که در آن فشار اقتصادی به اسكات بسنت، وزیر خزانه‌داری، سپرده شده و همزمان ابزار نظامی نیز روی میز باقی مانده است. از این منظر، قطعنامه احتمالی شورای حکام را نباید صرفاً یک تحول در پرونده هسته‌ای ایران دانست. این قطعنامه می‌تواند یکی از حلقه‌های زنجیره‌ای باشد که واشنگتن و متحدانش برای افزایش فشار بر تهران طراحی کرده‌اند.

**تهدید تازه ترامپ**

براساس گزارش‌ها، دولت ترامپ درحال بررسی ممنوعیت واردات برخی کالاهای کانادایی ازجمله مشروبات الکلی، محصولات لبنی و احتمالاً فولاد است. حتی برخی افراد نزدیک به رئیس‌جمهور آمریکا خواهان اقدامات سخت‌گیرانه‌تر علیه کانادا هستند. ترامپ روز جمعه نیز تهدیدی گسترده‌تر مطرح کرد و گفت، آمریکا می‌تواند تجارت خود با کانادا، مکزیک، اتحادیه اروپا و سوئیس را متوقف کند. او مدعی شد چنین اقدامی باعث صرفه‌جویی مالی برای آمریکا خواهد شد. با این حال توقف تجارت سالانه حدود ۳۰۷ تریلیون دلار با شرکای اصلی آمریکا می‌تواند، پیامدهای سنگینی برای اقتصاد این کشور داشته باشد و فشارهای تورمی را افزایش دهد.

**نقطه آسیب‌پذیر آمریکا**

درحالی‌که ترامپ تلاش می‌کند، کسری تجاری آمریکا با کانادا را توجیهی برای فشار بیشتر بر اتاوا قرار دهد، بخش قابل‌توجهی از این کسری به واردات انرژی مربوط می‌شود. آمریکا وابستگی بالایی به نفت و گاز کانادا دارد؛ موضوعی که با توجه به کاهش عرضه نفت از خاورمیانه در پی جنگ آمریکا با ایران اهمیت بیشتری پیدا کرده است. سال گذشته کسری تجاری آمریکا در حوزه کالا با کانادا حدود ۴۸ میلیارد دلار بود و حدود ۶۶ درصد صادرات کانادا، راهی بازار آمریکا شد. به همین دلیل



استراتژیک همراه با تحریم‌های اقتصادی و تهدید کشورهایی که با ایران تجارت می‌کنند، نشان می‌دهد واشنگتن به‌دنبال ایجاد فشاری است که لزوماً به جنگ تمام‌عیار منتهی نشود. این همان الگوی «نه جنگ، نه صلح» است؛ وضعیتی که در آن نه توافق پایدار شکل می‌گیرد و نه درگیری به نقطه پایان می‌رسد. در چنین شرایطی، فشار اقتصادی، عملیات روانی، تحریم، محاصره دریایی و حملات محدود می‌توانند به ابزارهای مکمل یکدیگر تبدیل شوند.

**تاریخ تعیین‌کننده**

در این میان یک تاریخ پیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا کرده است: ۳ نوامبر، روز برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا. جمهوری‌خواهان در این انتخابات باید از اکثریت شکستنده خود در هر دو مجلس کنگره دفاع کنند و نتیجه می‌تواند بر محاسبات دولت ترامپ درباره ادامه یا تشدید فشار نظامی علیه ایران اثر مستقیم بگذارد. نشانه‌ها حاکی از آن است که



سال نهم شماره ۲۳۱۹  
یک‌شنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۵

## کافه

تازه‌های ادب و هنر

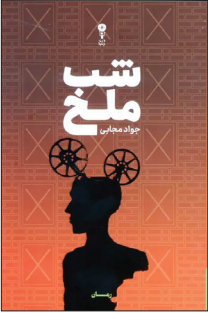
کتاب‌شناسی

## ترس و طنز

نگاهی به چند کتاب از جواد مجابی

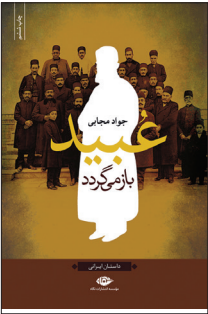
جواد مجابی در حوزه‌های مختلف شعر، داستان‌نویسی، نقد ادبی–هنری، روزنامه‌نگاری، نقاشی و طنز، صاحب تألیف بود و نامش همواره در میان بزرگان این عرصه‌ها مطرح بوده است. تاکنون ده‌ها اثر شاخص از او منتشر شده که با استقبال گسترده، به‌ویژه از سوی مخاطبان جدی هنر و ادبیات، روبه‌رو شده‌اند.

شب ملخ



جواد مجابی «شب ملخ» را در دهه ۶۰ و ایام جنگ تحمیلی نوشته بود، که در نسخه‌های محدود عرضه شد. این کتاب اردیبهشت سال گذشته پس از ۳۵ سال با ویرایشی جدید توسط نشر وزن دنیا منتشر شد. «شب ملخ» رمانی طنزآمیز، دارای ساختاری سینمایی و با محوریت جنگ، ویرانی و مرگ است که در اثای جنگ و هنگام بمباران تهران نوشته شده و بازتاب رویدادها، حقایق و معضلات مرتبط با جنگ است. داستان آن مربوط به مدت کوتاهی پس از آتش‌بس میان ایران و عراق است و از جایی آغاز می‌شود که در شبی از سال ۱۳۶۹ هم‌زمان سه بمب، باعث انفجار در سه نقطه از شهر می‌شوند. مردم شهر همه به زیرزمین خانه‌ها پناه می‌برند و تا مدتی از اتفاقات بیرونی خبر ندارند. بمب اول با ساختمان پزشکی قانونی و به‌طور دقیق ساختمان سردخانه برخورد می‌کند، دومی گورستان شهر را به لرزه درمی‌آورد و بسیاری از قبرها را زیرورو می‌کند و سومی به نقطه‌ای نامشخص برخورد می‌کند. مکان سومی که بمب به آن اصابت می‌کند، از سوی مسئولان تلویزیون اعلام نمی‌شود. هر سه انفجار وحشت شدیدی را در شهر رقم می‌زند. داستان پس از این انفجارها به هجو یه‌ای درباره ترس مردم از مردگانی که در گورستان قبرشان منفجر شده و اجسادی که در پزشکی قانونی دیگر قابل شناسایی نیستند، تبدیل می‌شود. اجساد با هم عوض شده‌اند و خانواده بازماندگانی که جنازه بستگان‌شان در پزشکی قانونی در انتظار دفن بودند، نگران اشتباه دفن کردن مردگان هستند و...

عبید باز می‌گردد



مجابی در رمان «عبید باز می‌گردد»، عبید زاکانی را به دهه ۱۳۲۰ و دوران اشغال ایران توسط متفقین آورده و از تضادهای حاصل از این مواجهه، روایتی طنزآمیز به‌دست آورده است. در «عبید باز می‌گردد» نیز مانند بسیاری از دیگر آثار مجابی، تاریخ، دستمایه روایت قرار گرفته و البته نه وجوه مرئی و آشکار تاریخ، بلکه وجوه ناپیدا و مخفی‌مانده آن، که تنها توسط ادبیات و تخیل، مرئی می‌شود. این چنین است که مجابی به‌جای

روایت تاریخ، ساخت‌های بنیادین بر سازنده آن را نشانه می‌رود و آن‌ها را با نگاه طنزاندیش خود نقد می‌کند. عبید، در رمان مجابی، زندگی‌ای به قدمت کل تاریخ دارد. هم تاریخی که گذشته است و هم تاریخی که هنوز نیامده است.

تاریخ طنز ادبی ایران

«تاریخ طنز ادبی ایران» کتابی است که سال‌هاست جسته‌گریخته و این‌ورآن نامش را از زبان جواد مجابی شنیده‌ایم. کتابی، حاصل دغدغه‌دیرین مجابی و کلنجار سالیانش با مقوله طنز که رکن اصلی برسانده عمده آثار جواد مجابی است و از اصلی‌ترین مؤلفه‌های سبک او به‌ویژه در تئرونیسی. گرچه جهان شعری مجابی نیز یک‌سره عاری از طنز و نگرش طنزآمیز نیست. نگرشی که با همان اولین کارهای ادبی مجابی در کار او رخ نشان داد و رخ‌نمودن نامنتظرش هم، خود، عاری از طنز نبود. از آن‌وقت تاکنون پایان عمر طنز، روزبه‌روز برای مجابی جدی‌تر می‌شد و در ادبیاتش به پخته‌گی رسیده بود. مجابی به طنز ایرانی می‌اندیشد و به پیشینه این طنز و سیر تحولش که حاصل این تأملات، مجموعه «تاریخ طنز ادبی ایران» است که توسط نشر ثالث به چاپ رسیده است. مجابی در دو جلد نخست این مجموعه، از پیشینه‌های طنز در ایران و طنز و شوخ‌طبعی ایرانی در روزگار باستان آغاز می‌کند و تحول طنز ادبی در ایران را تا عصر حافظ پی می‌گیرد و ویژگی‌های طنز ایرانی و خاستگاه‌ها و زمینه‌های پیدایش آن را در هر دوره تاریخی برمی‌شمارد. «تاریخ طنز ادبی ایران» جست‌وجوی یک طنزاندیش است، در نظم و نثر کلاسیک ایران تا روزگار حافظ. اهمیت کار مجابی در دو چیز است؛ یکی همین نگرش طنزآمیز که باعث می‌شود به متون کهن نه با دیدی عصاقورت‌داده و کلیشه‌ای –دیدیی که همواره مخاطب عادی را از ادبیات کهن فراری داده است– بلکه با دید پژوهشگری رند و نکته‌سنج و شکاک نگاه کند. دیگر این‌که مجابی از نگاه یک آدم امروزی و معاصر، به سراغ ادبیات کهن رفته و سعی کرده است که از این ادبیات، نکاتی استخراج کند که به کار انسان امروز بیاید.

ادامه تیتیر یک

## روشنفکر هنرمند

از روزنامه‌نگاری تا تجسمی

جواد مجابی ۲۲ مهر ۱۳۱۸ در قزوین متولد و اوایل دههٔ ۴۰ در رشتهٔ حقوق و اقتصاد از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. در همان دوره کارشناسی وزارت فرهنگ و هنر، فعالیت ادبی و هنری خود را آغاز کرد. او در طول بیش از ۶ دهه فعالیت، در حوزه‌های شعر، داستان، رمان، طنز، نقد ادبی و هنری و نقاشی آثار متعددی خلق کرد و از چهره‌های شناخته‌شدهٔ فرهنگ معاصر ایران بود. مجابی فعالیت حرفه‌ای خود را در مطبوعات نیز دنبال کرد و در کنار نوشتن، به پژوهش و نقد هنر و ادبیات پرداخت. گسترهٔ فعالیت او سبب شد نامش در چند حوزهٔ فرهنگی و هنری ایران مطرح باشد. نخستین مجموعهٔ شعر او با عنوان «فصلی برای تو» منتشر شد. او در ادامه مجموعه‌هایی در شعر و طنز منتشر کرد. مجابی مدتی در روزنامه اطلاعات، دبیر بخش «فرهنگ و هنر» بود و با مجلات ادبی مهمی چون «فردوسی»، «جهان نو»، «خوشه»، «آدینه» و «دنیای» سخن همکاری داشت. این نویسنده، مدتی بعد زمان خود را به ادبیات و خلق رمان اختصاص داد و در داستان‌نویسی نیز آثاری چون «باغ گمشده»، «روایت عور»، «در این هوا» و «گفتن در عین نگفتن» را به کارنامه‌اش افزود. مجموعهٔ آثار داستانی او در سال‌های مختلف، بارها منتشر و بازچاپ شده‌اند. مجابی در حوزهٔ طنز نیز یکی از چهره‌های شناخته‌شدهٔ ادبیات معاصر به‌شمار می‌رفت و طنز را در قالب‌های مختلف ادبی و هنری دنبال کرد. «شناخت‌نامهٔ احمد شاملو»، «شناخت‌نامهٔ غلامحسین ساعدی»، «بنفشه‌های سرآشپ»، «ایالات نیست در جهان»، «سرآمدان هنر نو»، «عبید باز می‌گردد»، «روزنامهٔ مرد عزلت‌گزین»،

«به قول مردم گفتنی»، «از دل به کاغذ» و «آینهٔ بامداد» از دیگر آثار او هستند. نقد و پژوهش دربارهٔ هنرهای تجسمی نیز بخش مهمی از فعالیت فرهنگی او بود و نوشته‌های مجابی دربارهٔ نقاشی و هنرمندان معاصر، در نشریات و کتاب‌های مختلف منتشر شده است. جواد مجابی در سال ۱۳۵۴ برای روزنامه‌نگاری و فعالیت در این حوزه، جایزهٔ فروغ را دریافت کرد، پس از آن نیز در سال ۱۳۸۲ جایزهٔ بیژن جلالی را برای نقد دریافت کرد. جایزهٔ آرش جشنواره تیرگان تورنتو در سال ۲۰۰۸ از دیگر جوایز او به‌شمار می‌رود.

جواد مجابی در سال‌های پایانی زندگی نیز به فعالیت هنری ادامه داد. در سال ۱۴۰۵ و در دوره‌ای که در بیمارستان ایرانمهر بستری بود، مجموعه‌ای از نقاشی‌های او با عنوان «شب‌های سفید بیمارستان و من» به نمایش درآمد؛ آثاری که از تداوم فعالیت هنری او در سال‌های پایانی زندگی حکایت داشت.

ادبیات، گرفتار ممیزی مرکب

مجابی در گفت‌وگویی که چندی پیش با ایننا داشته و به مناسبت درگذشتش منتشر شده از ناشرسالاری و آسیب‌های آن سخن گفته و معتقد است مجموعه‌ای از عوامل دست به دست هم داده‌اند تا ادبیات تألیفی را به حاشیه برانند و تیراژ کتاب‌ها را به عددهای حقیر ۱۰۰ نسخه‌ای برسانند. او این وضعیت را «نظارت مرکب» می‌نامد؛ ساختاری که نه تنها خون تازه را از ادبیات گرفته، بلکه مخاطب، نویسنده و ناشر را به جزایری جدا از هم بدل کرده است و می‌گوید: «آن‌چه هولناک است این است که رابطهٔ میان مردم، نویسندگان و مخاطبان به‌تدریج زیر فشار یک عامل سوم، کم‌رنگ شده و

گزارش: تلویزیون ایران

## شروع بد

به بهانه پخش سریال «مرد سه‌هزار چهره» ساخته مهران مدیری

یک شروع ناامیدکننده از مهران مدیری، باعث شد که پس از پخش تنها یک قسمت از سریال «مرد سه‌هزار چهره»، فضای رسانه‌ای و مجازی، آکنده از نقدهای تند و آتشین علیه او شود. نکته اینجاست که مدیری در تمام سال‌هایی که برای تلویزیون سریال ساخته، همواره شروع‌هایش از نظر جذب مخاطب ضعیف بودند اما هرچه گذشت، او توانست مخاطبان بیش‌تری را جذب و در نهایت سریال‌هایش همواره در زمره پربیننده‌ترین‌ها قرار گرفتند. آیا «مرد سه‌هزار چهره» نیز با تکیه به همین ویژگی، در ادامه تبدیل به یک سریال پرمخاطب خواهد شد؟

موضوع قابل‌توجه اینجاست که فیلم‌برداری این سریال در مردادماه به پایان رسیده و برخلاف نودشی‌ها که در زمان پخش، فیلم‌برداری هم می‌شدند، این امکان برای بازسازی و بهتر کردن روند سریال عملاً وجود ندارد. با این حال، هیچ‌کس از آینده این سریال و اینکه چقدر می‌تواند جذاب و موفق باشد، خبر ندارد.

ستون‌های یک سبک

مهران مدیری کارگردانی را در تلویزیون با مجموعه ساعت خوش در سال ۱۳۷۳ آغاز کرد. پخش این سریال و استقبال شگفت‌انگیز مخاطبان از آن، با ممنوع‌الکاری مدیری و بخش مهمی از ستاره‌های این مجموعه با یک ایست سه ساله مواجه شد، اما در سال ۷۷ مدیری بار دیگر در قامت کارگردان به تلویزیون بازگشت و این‌بار او مدل متفاوت‌تری از یک برنامه تلویزیونی را تجربه می‌کرد. آیتم‌های ریز که براساس موضوع برنامه گفت‌وگومحور ساخته می‌شدند، اما این برنامه یک تجربه مفید برای مدیری و حتی تلویزیون در پخش سریال‌هایی بود که هر شب روی آنتن می‌رفتند. باید اولین تجربه مهم مهران مدیری در کارگردانی یک مجموعه داستانی را سریال «پلاک ۱۴» دانست. این سریال را البته که می‌توان ناموفق‌ترین اثر مهران مدیری در طول سال‌ها حضورش در تلویزیون دانست، اما این «پلاک ۱۴» بود که سبک کاری مدیری را برای سال‌های آینده مشخص کرد. این مجموعه یک سریال پربازیرگر و پرهزینه و بیگ‌پروداکشن بود که شاید در کارنامه مدیری در رده آخر آثارش قرار بگیرد، اما سریال‌های بعدی مدیری در تلویزیون و شبکه نمایش خانگی، گویی بر ستون‌های پلاک ۱۴ بنا شدند.

از آن پس سریال‌های مدیری نه مجموعه‌ای از آیتم‌های مینیمال که سریال‌هایی با حضور ستاره‌های پرتعداد، سیاهی‌لشکرها، لوکشین‌های مجلل و... بود و تریلوزی مرد هزار چهره نیز در این مجموعه قرار می‌گیرد.

رو به قطع‌شدن می‌رود؛ نمود ساده‌اش هم تیراژهای ۱۰۰ نسخه‌ای کتاب است. در مقطعی، مجموعه‌ای از تصمیم‌ها گرفته شد که به‌مرور دوران نسبتاً مطلوبی را به سمت بن‌بست سوق داد. زمانی تیراژ ۳۰هزار نسخه‌ای کتاب‌های جیبی کاملاً طبیعی بود، یا مطبوعات تیراژ میلیونی داشتند. امروز اما تیراژهای حقیر و فقیرانه نشان می‌دهد روندهایی طی شده که کل وضعیت را زیرورو کرده است. من این وضعیت دگرگون‌شده را «نظارت مرکب» یا «ممیزی مرکب» می‌نامم. سال ۵۶ کتابی نوشتم به‌نام «سخن در حلقه زنجیر» و در آنجا توضیح دادم که سانسور فقط اداری نیست؛ سانسور اقتصادی، سانسور سیاسی، سانسور روشنفکری، سانسور افکار عمومی و سانسور ایدئولوژیک هم داریم. هرکدام حوزهٔ جداگانه‌ای دارند و ترکیب آن‌ها برای تبدیل شدن به یک نظام واحد، مهارت و ارادهٔ خاصی می‌خواهد. در دوره‌ای، کار نویسندگان ایرانی در مرکز توجه بود و ترجمه و آثار گذشتگان در حاشیه قرار می‌گرفت. سه لایه داشتیم: آثار تازه، آثار گذشته ایران، و ترجمه‌های خارجی. امروز ترجمه در مرکز ایستاده، آثار گذشتگان در ردیف دوم‌اند، و ادبیات زنده –شعر و نثر معاصر– در ردیف سوم، نیمه‌جان و بی‌نفس ادامه می‌دهد. این جابه‌جایی کاملاً آگاهانه رخ داده. جایگزین کردن ترجمه و متون کلاسیک به‌جای ادبیات زنده و جاری، یک تصادف ساده نبود. زمانی نویسنده که مراجعه می‌کرد، می‌گفتند شعر چاپ نمی‌کنیم؛ ۱۰ سال بعد می‌گفتند نمایش‌نامه چاپ نمی‌کنیم؛ بعدتر می‌گفتند رمان چاپ می‌کنیم اما داستان کوتاه نه، چون «بازار ندارد». وقتی اثری خوب عرضه شود، طبیعی است که در یک چرخه آزاد عرضه و تقاضا بازار خودش را پیدا می‌کند. اما اگر

تریلوزی مرد هزار چهره

مهران مدیری تا رسیدن به «مرد سه‌هزار چهره» که جمعه شب، اولین قسمت‌اش روی آنتن شبکه سه رفت، ۱۰ سریال برای تلویزیون ساخت که تعدادی از آنها نه فقط در زمان پخش، که در پخش‌های مجدد و حتی به‌عنوان تکه‌های کوچک در فضای مجازی، پربیننده‌ترین آثار ساخته شده در دهه‌های اخیر هستند. پاورچین، نقطه‌چین، جایزه بزرگ، شب‌های برره، باغ مظفر، مرد هزار چهره، مرد دوهزار چهره، در حاشیه و در حاشیهٔ ۲ و شیش‌ماهه سریال‌هایی هستند که مدیری از سال ۱۳۷۷ و به مدت سه دهه برای تلویزیون ساخته است. اگر «شیش‌ماهه» که اصلاً دلایل تولیدش مشخص نیست را کنار بگذاریم، تقریباً تمام این آثار توانستند کارکرد کاملاً مفیدی برای صداوسیما در جذب مخاطب داشته باشند. سریال‌هایی که گویا همه از زیر شنل «پلاک ۱۴» درآمدند اما به‌مراتب بیش از این اثر مهجور و ندیده شده به موفقیت رسیدند.

مدیریی در طی مدت کارش در تلویزیون به‌عنوان کارگردان و در دهه هشتاد تا سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ نشان داد به ساخت فصل‌های مختلف از یک مجموعه علاقه دارد. البته احتمال موفقیت و استقبال بالا از آثار او نیز باعث شده تا تهیه‌کنندگان و تلویزیون نیز درخواست تولید قسمت‌های دوم و سوم از یک مجموعه را داشته باشند. بعد از موفقیت «پاورچین» که با وجود پخش از شبکه «تهران» بسیار پرمخاطب شد، مدیری «نقطه‌چین»



گزارش: سینمای جهان

## پدر پشت دوربین

درباره فیلم «محبوب» ساخته رودیگو سور یوگوین  
با بازی خاویر باردم

محبوب تازه‌ترین ساخته «رودریگو سور یوگوین» فیلم‌ساز اسپانیایی متولد ۱۹۸۱، درامی خانوادگی است که سینما را درون رابطه میان یک



عدنان شاه‌طلائی

منتقد

کارگردان و دخترش قرار می‌دهد. «استپان مارتینز» با بازی خاویر باردم، کارگردان شناخته‌شده‌ای است که بعد از ۱۳ سال دوری با امیلیا دختر بازیگرش، دوباره روبه‌رو می‌شود و از او برای فیلم تازه‌اش دعوت می‌کند. این همکاری، گذشته‌ای را به صحنه می‌آورد که هر دو شخصیت روایت یکسانی از آن ندارند. سور یوگن در فیلم «محبوب» سراغ موقعیتی رفته که ظاهرش بسیار معمولی است، اما برای ساختن آن به دقت زیادی احتیاج دارد: دیدار دو نفر که زمانی بسیار به‌هم نزدیک بوده‌اند و حالا باید دوباره روبه‌روی یکدیگر بنشینند. او به‌جای آنکه گذشته را با توضیح‌های مستقیم تحویل مخاطب بدهد، اجازه می‌دهد اطلاعات از خلال رفتار شخصیت‌ها بیرون بیاید. همین انتخاب، صحنه نخست فیلم را به یکی از مهم‌ترین بخش‌های آن تبدیل کرده است. دیدار استپان و امیلیا در یک رستوران شکل می‌گیرد و نسخه نهایی این سکانس ۱۸ دقیقه طول دارد. پشت این دقایق یک ساعت‌ونیم بداهه‌پردازی و کار مشترک بازیگران وجود داشته است. خاویر باردم در نقش استپان، مردی را نشان می‌دهد که در محیط حرفه‌ای خود عادت دارد کنترل داشته باشد. او کارگردان است؛ آدمی که به دیگران دستور می‌دهد، صحنه را تنظیم می‌کند و می‌داند از بازیگران چه می‌خواهد اما مقابل امیلیا، این اختیار دیگر چندان کارایی ندارد. دخترش برای او یک بازیگر معمولی نیست و همین موضوع مرز میان کار و زندگی شخصی را از همان ابتدا مخدوش می‌کند. باردم برای ساختن این شخصیت، از نمایش مستقیم احساسات فاصله گرفته است. استپان همیشه پشیمان به‌نظر نمی‌رسد و همیشه هم طبل‌کار نیست.



«ویکتوریا لونگو» نیز امیلیا را در حد واکنش به رفتار پدر نگه نمی‌دارد. او بازیگری است که مسیر حرفه‌ای‌اش آنگونه که انتظار داشته، پیش نرفته و حالا پیشنهاد پدر، هم می‌تواند یک فرصت باشد و هم چیزی که او را دوباره به گذشته نزدیک می‌کند. البته که از نقاط بارز و اصلی این روایت می‌توان به بازی درخشان این دو اشاره کرد. «رودریگو سور یوگوین» می‌خواهد از اینجا سینما را به میدان برخورد این دو تبدیل کند. استپان پشت دوربین قرار می‌گیرد و امیلیا مقابل آن؛ اما هرچه فیلم‌برداری پیش می‌رود، مرز میان نقش و زندگی واقعی باریک‌تر می‌شود. دستورهای کارگردان فقط دستورهای یک فیلم‌ساز نیستند و مقاومت دختر نیز فقط اعتراض یک بازیگر به کارگردان نیست. گویی گذشته، خود را در صحنه‌های فیلم‌برداری دوباره اجرا می‌کند و هر دو ناچارند با چیزی روبه‌رو شوند که سال‌ها از آن فاصله گرفته‌اند. نقطه قوت اصلی فیلم در همین جابه‌جایی مداوم میان سینما و زندگی است؛ جایی که دوربین قرار است حقیقتی ساختگی بسازد، اما ناخواسته حقیقتی واقعی را بیرون می‌کشد. خاویر باردم برای اجرای این شخصیت انتخابی بسیار مناسب است. چون استپان را به مردی تک‌بعدی تبدیل نمی‌کند. او نه صرفاً پدري خشن است و نه مردی شکست خورده که فقط می‌خواهد بخشیده شود. جذایت، اعتماد به‌نفس، خشونت پنهان و میل به کنترل در رفتارش هم‌زمان حضور دارند و همین ترکیب، شخصیت را ن آرام می‌کند. باردم گاهی با یک مکث یا تغییر نگاه، چیزی را به نمایش می‌گذارد، که اگر با دیالوگ گفته می‌شد، اثر خود را از دست می‌داد. همین ویژگی باعث می‌شود فروپاشی رابطه پدر و دختر، ناگهانی و نمایشی به‌نظر نرسد؛ ترک‌ها رفته‌رفته، پدیدار می‌شوند، اعتماد عقب می‌نشیند و هر دو متوجه می‌شوند آنچه میان‌شان مانده، بسیار پیچیده‌تر از یک دلخوری قدیمی است. «ویکتوریا لونگو» در این نقش گرفتار کلیشه دختر زخمی و عصبی تم نشود. او زنی است که می‌خواهد بازیگر باشد، اما نمی‌خواهد موفقیت خود را مدیون نام پدر بداند. پیشنهاد استپان برای او هم‌زمان فرصت و تهدید است؛ می‌تواند دوباره او را وارد حرفه کند. اما ممکن است بار دیگر هویت او را زیر نام پدر دفن کند. همین تضاد شخصیت، امیلیا را از یک واکنش صرف به رفتار پدر جدا می‌کند. او باید تصمیم بگیرد، آیا می‌تواند به گذشته نگاه کند، بی‌آنکه دوباره در آن زندگی کند. عنوان «محبوب» نیز در این زمینه معنای تلخی پیدا می‌کند. ممکن است آدمی برای هزاران نفر چهره‌ای دوست‌داشتنی باشد و در نزدیک‌ترین رابطه زندگی‌اش، انسانی باشد که دیگری از او گریزان است. فیلم از همین تضاد تغذیه می‌کند و در نهایت، بیش از آنکه درباره آشنی باشد، درباره ناتوانی انسان در پاک کردن پیامدهای رفتارش است. این فیلم در بعضی لحظات بیش از اندازه به طرفت‌های فرمی خود اعتماد می‌کند و ممکن است برای بخشی از تماشاگران فاصله عاطفی میان شخصیت‌ها بیش از حد باقی بماند؛ اما حتی این فاصله نیز با موضوع فیلم بی‌ارتباط نیست. شاید بهترین دستاورد فیلم همین است که از یک رابطه ویران شده، انتظار معجزه ندارد. استپان می‌تواند دوباره بازی کند اما هیچ‌کدام نمی‌توانند، گذشته را مانند یک حلقه فیلم عقب ببرند. در جهان «محبوب» دوربین قادر است تصویر را ثبت کند. اما نمی‌تواند چیزی را که در زندگی شکسته، به‌جای نخست بازگرداند. از همین جاست که این فیلم از یک درام خانوادگی فراتر می‌رود، چراکه فیلم درباره قدرت روایت کردن زندگی دیگران است؛ درباره اینکه هنرمند، پدر یا هر انسان صاحب قدرت دیگری، تا کجا حق دارد داستان آدمی که به او نزدیک است را به‌جای او تعریف کند. شخصیت «استپان» سال‌ها با ساختن فیلم صاحب اختیار جهانی خیالی بوده، اما در برابر زندگی دخترش با چیزی روبه‌روست که قابل میزانشن، تدوین و برداشت دوباره نیست. احتمالاً شکست واقعی او همین‌جاست؛ جایی که دوربین دیگر تم نتواند میان آنچه می‌خواهد باشد و آنچه واقعاً بوده، فاصله بیندازد.

برسیم که می‌شود آن را «نظارت مرکب» نامید؛ ترکیبی از فشارهای اقتصادی، سیاستگذاری‌های فرهنگی، رفتار بازار نشر و فرسایش عمومی جامعه که همه روزنه‌هایی را که می‌توانستند محل بروز تفکر و تخیل باشند، یکی‌یکی بسته است. این چیزی کمتر از یک ضایعه نیست؛ ضایعه‌ای که نه فقط مردم، بلکه حکومت و کل فرهنگ ایران را گرفتار کرده. به‌خصوص وقتی به این فکر کنیم که فرهنگ، آخرین عرصه‌ای بود که هنوز امکان رقابت جهانی در آن وجود داشت.»

### چراغ‌های رابطه در حال خاموشی

زندگیاد مجابی معتقد بود، شعر ایران در ردیف برترین شعرهای جهان ایستاده و فرهنگ این سرزمین یکی از کهن‌ترین و پُرخش‌ترین سنت‌های فکری و هنری بشر است. به باور او زبان فارسی میراثی است که نسل‌های پیش برای ما گذاشته‌اند و حالا آرام‌آرام دارد هدر می‌رود: «حافظ، شاملو، نیما و دیگران کار خود را کرده‌اند، اما برای این‌که بتوانند هم‌چنان با مردم امروز رابطه برقرار کنند، حضور منتقدان، مفسران و تعبیرکنندگانی لازم است که میانجی فکری باشند؛ کسانی که بتوانند پلی بزنند میان آن افکار بلند و ذوق عمومی جامعه». به گفته مجابی با غیاب چنین واسطه‌هایی، همه چیز به دو جزیره جدا تبدیل شده: «از یک طرف مخاطبانی قرار دارند که قدرت پیوند برقرار کردن با آن معانی و فضاها و جهان‌های پیچیده را ندارند؛ و از سوی دیگر خود آثار، چه زنده، چه مرده، توان ارتباط‌گیری با فرهنگ عمومی را از دست داده‌اند. این در یچه‌ها در درازمدت بسته شده و حالا باز کردن‌شان ساده نیست. نمی‌خواهم بگویم این روند عامدانه بوده، اما همان «بیماری مسری» که به آن اشاره شد، یعنی چرخیدن مرکز ثقل از نویسنده به ناشر، در این‌جا هم خودش را نشان می‌دهد. نویسندگان همیشه پیام‌آور آزادی، صلح، انسانیت و تخیل رها بوده‌اند، و وقتی این صداها به محاق رانده می‌شود و زیر سلطه می‌رود، طبیعی است که چیزهای دیگری جای آن‌ها را پر کند. ادامه این مسیر نشان می‌دهد چگونه خاموش شدن آن میانجی‌ها و ناشرسالاری، میراث فرهنگی ایران را به سمت انزوالی خطرناک می‌برد.»



فشار اقتصادی چنان خم شده‌اند که دیگر نه جان دارند، نه زمان. وقتی گوشت کیلویی یک‌میلیون و خرده‌ای ایستاده بالای سر سفره، کتاب خریدن یا تئاتر رفتن بیشتر شبیه شسوخ تلخ است. در چنین وضعیتی حتی نیاز چندانی به سانسور هم نیست. سانسور حالا شاید ظاهراً دوستانه رفتار کند، اما دیگر مهم نیست؛ چون وقتی رغبت و فرصت و فراغت ذهنی برای خواندن وجود ندارد، سخت‌گیری یا مدارا در حذف فرهنگی هم بی‌اثر می‌شود. اقتصاد درمانده کشور مثل یک آتش‌بس موقتی است که هر لحظه ممکن است فرو بریزد و همین ترس دائمی مجال هیچ تخیل و تمرکزی برای مخاطب باقی نمی‌گذارد. همه‌چیز دست‌به‌دست هم داده تا به وضعیتی

نخواهی این چرخه رونق بگیرد، میدان نمی‌دهی. فرهنگ زنده و جاری کمرمق شده و جایش را به فرهنگی مرده و نیز به فرهنگ و تمدن غربی داده است.»

### آفات ناشرسالاری

به اعتقاد مجابی در ایران، نویسنده، ناشر، دولت و مخاطب چهار ضلع یک مربع‌اند؛ مربعی که یکی از اضلاعش، یعنی نشر، مسیرش را عوض کرده و به‌جای تکیه بر ادبیات زنده و جاری، به ترجمه و آثار گذشته رو آورده است. او دلیل این انتخاب را منفعت کوتاه‌مدت می‌دانست و معتقد بود این روند خون تازه را از ادبیات می‌گیرد: «مردم که مصرف‌کننده اصلی فرهنگ‌اند، زیر

را برای شبکه سه ساخت. حتی اسمی که برای سریال انتخاب شده نیز گویی به مخاطب «پاورچین» اشاره می‌کند که با اثری شبیه به آن مواجه خواهد شد.

اما این پایان ماجرا نبود. فرهاد برره که در پاورچین قهرمان داستان بود، به شیرفرهاد برره تبدیل شد و ماجرا از شهر به زمانی نامعلوم و مکانی عجیب منتقل شد. درواقع شاید «پاورچین» از نظر سبک ساختاری سریال که تم خانوادگی داشت و در محیط‌های آپارتمانی می‌گذشت، به «نقطه‌چین» شباهت داشت اما شخصیت‌های پاورچین گویی همان‌هایی بودند که در سفر زمان به «شب‌های برره» رسیده بودند. بعد از سریال باغ مظفر که به‌اندازه دیگر سریال‌هایش موفق نبود، او مرد هزار چهره و مرد دوهزار چهره را به فاصله یک سال ساخت. سریال‌ها از آن دست سریال‌های پرهزینه مدیری با حضور ستاره‌های پرتعداد بود و البته در جذب مخاطب بسیار موفق عمل کرد. حدود ۶ سال بعد، مدیری بار دیگر با یک مجموعه و در دو فصل به تلویزیون آمد. «در حاشیه» هم در ادامه همان روند سریال‌سازی مدیری که از پلاک ۱۴ آغاز شده و به پختگی رسیده بود، ساخته شد و بعد از موفقیت قسمت اولش، فصل دومش نیز ساخته و پخش شد. در واقع این آخرین کار موفق مدیری در تلویزیون بود، چراکه مسابقه دوره‌می که از شبکه نسیم پخش می‌شد، یک ژنالیته شو بود و سریال «شیش‌ماهه» یک شکست تمام‌عیار از آب درآمد.

### بدترین شروع

مهران مدیری را می‌توان یکی از بهترین سازندگان تلویزیون دانست که معمولاً بدترین شروع‌ها را دارد. اغلب آثار او شروع گیرا و جذابی ندارند، اما چند نکته همواره باعث شدند تا مدیری با هوش و خلاقیتش بتواند سریال‌هایی که شروع ناموفقی داشتند را تبدیل به پرمخاطب‌ترین آثار تلویزیونی کند. در سریال‌های نودشی مدیری، به‌وضوح می‌توان دید که بسیاری از نشانه‌های سریال به مرور تغییر کرده‌اند. مثلاً در پاورچین، او در نقش اردلان پشندی، یک کارآگاه عجیب و با دستیاری اححق با بازی ساعد هدایتی بود که نشان از یک سریال کمدی- پلیسی داشت اما این شخصیت‌ها به مرور تغییر کرده به‌طوری که در

قسمت‌های میانی، او دیگر کارگر نبود و کمتر مخاطبی هم به‌یاد داشت که این شخصیت و این داستان در ابتدا یک چیز دیگر بوده است. این در پاورچین هم البته کم‌رنگ‌تر وجود دارد. در شروع داستان خیلی آرام و شمرده روایت می‌شود، سه شخصیت پیرمرد که قرار است نقش مهمی در کمدی داشته باشند هم حضور دارند که در حیاط بزرگ خانه می‌نشینند اما به مرور مدیری همه اینها را حذف کرد و با اضافه کردن چند ستاره و تغییرات اساسی، روند داستان را تغییر داد و در جذب مخاطب هم موفق بود.

در حاشیه هم سرنوشتی مشابه داشت. در واقع آثار مدیری در ابتدا شبیه سریال‌هایی هستند که ساختار منسجم و فیلم‌نامه‌های دقیقی دارند و قرار است یک داستان کمدی را تعریف کنند، اما هرچه به جلو می‌رود، او با توجه به شناختی که از ذائقه و ذهن کم‌حوصله مخاطب ایرانی پیدا کرده، از داستان و روایت دور شده و تمام تمرکزش را روی ساختن موقعیت‌های طنز می‌گذارد.

### مرد سه‌هزار چهره

مرد سه‌هزار چهره اما در شرایط خاصی به نمایش درآمد. مهران مدیری یکی از چهره‌هایی بوده که طی سال‌های اخیر، به دلیل اظهارنظر‌ها و ارتباطات کاری‌اش با انتقادهای سنگینی در فضای رسانه‌ای و مجازی روبه‌رو شده است. او در جریان حوادث ۱۴۰۱ و درحالی که برای ساخت دوره‌می با تلویزیون قرارداد بسته بود، با انتشار یک ویدئو اعلام کرد که حاضر نیست حتی یک پلان از کارهایش از تلویزیون پخش شود، اما این حرف او چندان دوام نداشت. مدیری در این مدت، همکاری‌اش با تلویزیون را ادامه داد و «مرد سه‌هزار چهره» نیز آخرین محصول اوست. سریالی که شاید در ضعیف‌ترین روزهای تلویزیون از نظر محبوبیت و میزان مخاطب روی آنتن رفته و شاید قرار است که بتواند صداسیما را از این بحران مخاطب و فضای منفی پیرامونش نجات بدهد.

هرچند مدیری که در این سال‌ها به‌نظر از محبوبیت و اقبال عمومی‌اش کاسته شده، در پخش قسمت اول سریالش توانست روزنه امیدی نسبت به نجات تلویزیون و جذب مخاطبان بالا بگشاید. قسمت اول مرد سه‌هزار چهره مانند اغلب آثار مهران مدیری ضعیف و ناگیرا بود، اما با این تفاوت که به‌نظر می‌رسد مخاطب این‌بار صبر و تحمل کمتری برای فرصت دادن به سریال او داشته باشد. رابطه تیره مخاطبان و تلویزیون و همچنین ریزش طرفداران مدیری طی سال‌های اخیر، دلایل مهمی برای شکل‌گیری این فضای منفی پیرامون آخرین اثر ساخته شده مدیری هستند. هرچند مدیری که همواره بدترین شروع‌ها را داشته، معمولاً توانسته بعد از چند قسمت دل مخاطبان و دوستدارانش را به‌دست بیاورد. این‌بار چقدر بتواند موفق شود، مشخص نیست. هرچند عدم همکاری با تیم سابق نویسنده‌گی‌اش به سرپرستی پیمان قاسم‌خانی، این تردید را نسبت به آینده «مرد سه‌هزار چهره» به‌وجود آورده است. آنچه مشخص است اینکه، مرد سه‌هزار چهره در ۱۵ قسمت پخش خواهد شد و شاید آخرین قسمت از مجموعه پُرطرفدار «مرد هزار چهره» در کارنامه مدیری باشد. باید دید این تریلوژی پایانی خوش و موفق برای مهران مدیری خواهد داشت، یا تبدیل به یکی از آثار ناموفق‌اش خواهد شد که طی سال‌های اخیر برای شبکه نمایش خانگی و تلویزیون ساخته است.





# فرمان دولتی

## پلیس ملزم به صدور گواهینامه موتورسیکلت بانوان شد

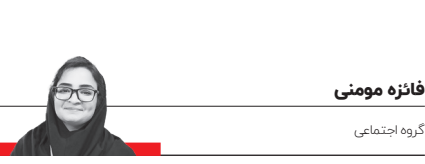
**گروه اجتماعی:** «مصوبه صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان نهایی شده و پلیس راهور فراجا موظف به اجرای این فرآیند است». این تازه‌ترین اظهارنظر زهرا بهروزآذر، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، درباره مطالبه چند ساله زنان برای دریافت گواهینامه موتورسیکلت است؛ موضوعی که پس از سال‌ها اختلاف‌نظر میان دستگاه‌های مختلف اکنون به مرحله اجرا رسیده، هرچند هنوز روند ثبت‌نام و صدور گواهینامه آغاز نشده است.

بهروزآذر در گفت‌وگو با صداوسیما با اشاره به نهایی شدن مصوبه دولت گفت، پلیس راهور فراجا مکلف است، فرآیند صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان را اجرایی کند. به گفته او، ابعاد حقوقی موضوع حل‌وفصل شده و مشخص نیست چرا این مصوبه هنوز به مرحله اجرا نرسیده است. او توضیح داد که طرح موضوع از جایی آغاز شد که زنان، به‌ویژه زنانی که امکان استفاده از موتورسیکلت را نداشتند، درباره دشواری‌های رفت‌وآمد خود با مسئولان تماس می‌گرفتند. بهروزآذر گفت برخی زنان مجبور بودند برای جابه‌جایی، ترک موتورسیکلت مردانی بنشینند که محرم آنها نبودند؛ وضعیتی که به گفته او برای بسیاری از زنان آزاردهنده بود و می‌توانست مصداق خشونت علیه زنان تلقی شود. معاون رئیس‌جمهور همچنین به مسئله بیمه اشاره کرد. به گفته او، بخشی از زنان موتورسواری را آغاز کرده بودند اما به دلیل نداشتن گواهینامه

### شهز

# حاشیه‌های آقای حکایتی!

## تغییر مدیر ارسباران پس از حاشیه حجاب در یک مراسم تجلیل خبرساز شد



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

خبر برکناری شهرام کرمی از مدیریت فرهنگسرای ارسباران تنها چند روز پس از برگزاری مراسم بزرگداشت بهرام شاه‌محمدلو، «آقای حکایتی» تلویزیون، منتشر شد؛ مراسمی که حضور شماری از زنان هنرمند بدون حجاب در آن، واکنش رسانه‌های اصولگرا را به‌دنبال داشت. همزمانی این دو اتفاق خیلی زود این گمانه را شکل داد که تغییر مدیر فرهنگسرای ارسباران با حواشی مراسم ارتباط داشته است. با این حال سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران این روایت را رد کرده و می‌گوید، فرآیند جابه‌جایی شهرام کرمی از مدت‌ها قبل آغاز شده بود. مراسم «شب شعر و موسیقی کانون زمستان» روز جمعه ششم شهریورماه در فرهنگسرای ارسباران برگزار شد و به بزرگداشت بهرام شاه‌محمدلو، بازیگر و کارگردان باسابقه تئاتر و تلویزیون، اختصاص داشت. راضیه برومند، احترام برومند، رضا بابک، رضا فیاضی، رسول نجفیان و ایرج راد ازجمله حاضران این برنامه بودند. احترام برومند، بازیگر و مجری تلویزیون و لیلی رشیدی، بازیگر سینما و تئاتر نیز در این مراسم حضور داشتند. انتشار تصاویر این برنامه در فضای مجازی، به‌ویژه درباره پوشش برخی زنان حاضر در مراسم، به سرعت مورد توجه رسانه‌های اصولگرا قرار گرفت. در ادامه، خبر تغییر شهرام کرمی از مدیریت فرهنگسرای ارسباران منتشر شد؛ اتفاقی که به دلیل فاصله زمانی کوتاه با مراسم به موضوعی خبرساز تبدیل شد.

### حاشیه‌ای که از یک مراسم فرهنگی فراتر رفت

واکنش‌ها به مراسم ارسباران تنها به شبکه‌های اجتماعی محدود نماند. خبرگزاری فارس در یادداشتی با عنوان «عرفی‌سازی بی‌حجابی» از حضور بازیگران زن بدون حجاب در این برنامه انتقاد کرد و خواستار پاسخگویی مسئولان و دست‌اندرکاران برگزاری مراسم شد. در چنین شرایطی، انتشار خبر برکناری مدیر فرهنگسرا به‌طور طبیعی این پرسش را به‌وجود آورد که آیا مدیریت یک مرکز فرهنگی شهرداری، مسئول نظارت بر پوشش مهمانان نیز هست و آیا حاشیه‌های یک برنامه می‌تواند برای مدیر آن پیامد مدیریتی داشته باشد؟

شهرداری تهران اما پاسخ منفی به این پرسش داده است. روابط عمومی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در گفت‌وگو با

از پوششش بیمه‌ای برخوردار نبودند. او این وضعیت را یک دوگانگی جدی دانست؛ زیرا از یک‌سو زنان می‌توانستند به‌عنوان ترک‌نشین از موتورسیکلت استفاده کنند اما از سوی دیگر امکان دریافت مجوز رسمی برای رانندگی نداشتند.

### اختلاف بر سر تفسیر قانون

ریشه این اختلاف به تبصره ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب سال ۱۳۸۹ بازمی‌گردد. در این تبصره، مسئولیت صدور گواهینامه موتورسیکلت برای مردان برعهده نیروی انتظامی گذاشته شده است. پلیس راهور طی سال‌های گذشته، سکوت قانون درباره زنان را به‌معنای منع صدور گواهینامه برای آنان تفسیر کرده بود؛ درحالی‌که شماری از حقوق‌دانان معتقد بودند در قوانین موجود، ممنوعیت صریحی برای موتورسواری زنان وجود ندارد. در روزهای اخیر اظهارنظرهای متفاوت مسئولان بار دیگر این موضوع را به صدر اخبار بازگرداند. سیدکاظم دلخوش، معاون تقنینی ریاست‌جمهوری، پنجم شهریور از ارائه لایحه‌ای به مجلس برای اصلاح تبصره ماده ۲۰ خبر داده بود. پس از آن غلامعلی غضنفرآبادی، نایب‌رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، اعلام کرد صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان از نظر قانونی ایرادی ندارد. با این حال سخنگوی دولت در نشست خبری یازدهم شهریور گفت، صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان منع

قانونی ندارد و دولت به همین دلیل روی لایحه‌ای در این زمینه کار نکرده است. بهروزآذر نیز پیش‌تر گفته بود برای موتورسواری زنان نیازی به قانون ینا مقررات جدید وجود ندارد و موضوع با قوانین موجود قابل حل است. در مقابل، برخی مسئولان پلیس راهور همچنان بر تفسیر قبلی از قانون تأکید داشتند.

### هشدار درباره پیامدهای بیمه‌ای

همزمان با اعلام نهایی شدن مصوبه دولت، مهدی قمصریان، مدیرعامل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، گفت صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان در مراحل پایانی قرار دارد. او درباره آمار حوادث موتورسیکلت‌های مورد استفاده بانوان گفت، اطلاعات موجود هنوز به‌طور کامل تلخیص نشده اما به‌نظر می‌رسد، حوادث مربوط به زنان در مقایسه با مردان کمتر گزارش شده باشد. قمصریان البته تأکید کرد که پایین‌تر

شهری تهران نمود پیدا کرده است؛ از حضور نیروهای موسوم به حجاب‌بان در مترو گرفته تا اجرای برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی مرتبط با حجاب و سبک زندگی. زاکانی در اردیبهشت ۱۴۰۲ پس از بالا گرفتن بحث حضور حجاب‌بان‌ها در مترو از فعالیت‌های «ایجابی» شهرداری در حوزه حجاب در ده‌ها ایستگاه مترو سخن گفت و اعلام کرد که شهرداری از ماه‌ها قبل در ۷۰ ایستگاه مترو در این زمینه فعالیت داشته است. در سال‌های بعد نیز موضوع حجاب در سیاست‌های اجتماعی شهرداری ادامه پیدا کرد. نصب پرده میان بخشش زنان و مردان در برخی واگن‌های مترو با عنوان «صیانت از حریم بانوان» همچنین اعلام همکاری شهرداری با نیروی انتظامی در اجرای طرح نور در فروردین ۱۴۰۳ از جمله مواردی بود که نقش مدیریت شهری در سیاست‌های مرتبط با پوشش را دوباره به موضوع بحث تبدیل کرد. البته میان مسئولیت‌های شهرداری و وظایف قانونی نیروی انتظامی تفاوت وجود دارد و شهرداری به‌طور کلی ضابط قضایی محسوب نمی‌شود. با این حال ورود مدیریت شهری به موضوعاتی مانند حجاب، سبک زندگی و نحوه استفاده از فضاهای عمومی در دوره زاکانی به یکی از محورهای قابل توجه سیاست فرهنگی شهرداری تبدیل شده است.

### مسئله اصلی؛ مدیر فرهنگسرا تا کجا مسئول است؟

اگر روایت شهرداری را مبنا قرار دهیم، شهرام کرمی به دلیل اتفاقات مراسم بزرگداشت بهرام شاه‌محمدلو برکنار نشده و تغییر او بخشی از برنامه قبلی سازمان فرهنگی هنری بوده است. در این صورت پرسش اصلی درباره زمان‌بندی این جابه‌جایی و دلایل مدیریتی آن است. اما اگر قرار باشد، حواشی مراسم را در چارچوب سیاست فرهنگی شهرداری بررسی کنیم، سوال مهم‌تری مطرح می‌شود: در مراکز فرهنگی وابسته به شهرداری، مسئولیت مدیر تا کجا ادما پیدا می‌کند؟ آیا وظیفه مدیر صرفاً انتخاب برنامه، هماهنگی سالن و تأمین امکانات است یا باید درباره نوع پوشش مهمانان نیز پاسخگو باشد؟

پاسخ به این سوال صرفاً درباره شهرام کرمی یا فرهنگسرای ارسباران نیست. این پرسش به تعریف نقش مراکز فرهنگی شهرداری در شهر بازمی‌گردد؛ اینکه فرهنگسراها قرار است محل حضور گروه‌های مختلف فرهنگی و هنری باشند یا باید در چارچوب سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی خاص مدیریت شهری فعالیت کنند. فعلاً پاسخ رسمی شهرداری این است که «برکناری به دلیل حجاب مهمانان نبوده است». اما تا زمانی که جزئیات بیشتری درباره فرآیند تغییر مدیریت ارسباران منتشر نشود، همزمانی این جابه‌جایی با حاشیه مراسم «آقای حکایتی» همچنان مهم‌ترین بخش این پرونده خواهد بود؛ پرونده‌ای که از یک مراسم بزرگداشت آغاز شد، به پوشش چند هنرمند رسید و در نهایت، صندلی مدیریت یکی از شناخته‌شدترین فرهنگسراهای تهران را خالی کرد.



بودن آمار حوادث می‌تواند به کمتر بودن تعداد موتورسیکلت‌های مورد استفاده زنان نیز مربوط باشد. با این حال به گفته او، بررسی‌های موجود نشان می‌دهد، زنان در رانندگی عموماً محتاط‌تر و قانون‌مندتر عمل می‌کنند.

مدیرعامل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی درباره پیامدهای رانندگی بدون گواهینامه نیز هشدار داد. براساس توضیحات او، صندوق موظف است، خسارت وارد شده به زیان‌دیدگان شخص ثالث را پرداخت کند اما پس از آن می‌تواند، مبلغ پرداختی را از راننده فاقد گواهینامه یا بیمه‌نامه مطالبه کند. او تصریح کرد که راننده مقصر فاقد گواهینامه از نظر قانونی، امکان دریافت خسارت برای آسیب وارد شده به خودش را ندارد.

### افزایش استفاده از موتورسیکلت در شهرها

به گفته قمصریان، استفاده از موتورسیکلت توسط زنان در مناطق شهری و حتی غیرشهری درحال گسترش است. او موتورسیکلت را وسیله‌ای اقتصادی و متناسب با شرایط فرهنگی و نیازهای جامعه دانست و گفت اراده جدی دولت برای اجرای این تصمیم وجود دارد. به گفته او، آموزشگاه‌های رانندگی متناسب با موتورسیکلت بانوان و شرایط و ضوابط مربوط به آن نیز ابلاغ شده و مقدمات صدور گواهینامه در دسترس قرار دارد. در سال‌های اخیر گرانی خودرو، افزایش هزینه‌های رفت‌وآمد، ترافیک سنگین و فاصله زیاد میان محل سکونت و محل کار، موتورسیکلت را برای بخشی از زنان به وسیله‌ای سریع و کم‌هزینه تبدیل کرده است. حضور زنان موتورسوار در شهرهایی مانند تهران، مشهد و یزد دیگر پدیده‌ای محدود یا استثنایی نیست اما نبود مسیر رسمی برای دریافت گواهینامه، آنان را در موقعیتی قرار داده که میان نیاز روزمره و الزامات قانونی گرفتار شده‌اند.

### محیط زیست

## خزر؛ پسروی آرام، بحران فزاینده

## سالانه حدود یک میلیون تن نفت وارد دریا می‌شود

کاهش تراز آب دریای خزر دیگر صرفاً یک تغییر طبیعی در خط ساحلی نیست؛ روندی که طی حدود ۱۵ سال گذشته شدت گرفته اکنون به تهدیدی برای تالاب‌ها، زیستگاه‌های آبی و معیشت جوامع ساحلی تبدیل شده است. به گفته عباس محمدی، مدیر انجمن دیده‌بان کوستان در این مدت حدود ۲۴ هزار کیلومتر مربع از سطح خزر کاسته شده و تراز آب نیز نزدیک به دو متر پایین رفته است.

تغییرات اقلیمی و گرمایش زمین از عوامل مؤثر بر پسروی خزر هستند اما محمدی معتقد است، نمی‌توان همه این روند را به افزایش دما نسبت داد. بر اساس پژوهش‌های مشترک محققان ایرانی و روس افزایش تبخیر و کاهش بارندگی در حوضه ولگا، که حدود ۹۰ درصد آب خزر را تأمین می‌کند، به‌تهدایی توضیح‌دهنده این کاهش نیست. در مقابل، سدسازی، انتقال و انحراف آب و برداشت بی‌رویه برای کشاورزی و صنعت از عوامل مهمی هستند که باید جدی گرفته شوند.

### میانکاله در خط مقدم

سواحل کم‌عمق شمالی خزر آسیب‌پذیرترند؛ منطقه‌ای که با وجود سهم ۳۰ درصدی از مساحت دریا، تنها یک درصد آب آن را در خود جای داده است. در ایران، میانکاله یکی از روشن‌ترین نمونه‌های این بحران است. طی ۱۰ تا ۱۵ سال اخیر، آب در این منطقه چند صد متر عقب نشسته و کاهش ورود آب شیرین، تعادل تالاب را برهم زده است.

پسروی خزر الزاماً به معنای خشک شدن آن مانند آرال نیست اما می‌تواند، پیامدهای گسترده‌ای داشته باشد. برخی برآوردها از احتمال کاهش ۱۰ تا ۳۰ متری سطح آب تا پایان قرن خبر می‌دهند. همزمان ورود سالانه حدود یک میلیون تن نفت و فاضلاب با کاهش حجم آب، اثر آلاینده‌ها را تشدید می‌کند. خزر با حدود ۶۰۰ گونه جانوری و گیاهی اندمیک اکنون با کاهش جمعیت برخی گونه‌ها و افت صید روبه‌روست. راهکار در کنار توجه به اقلیم، کاهش مداخلات انسانی، تأمین حقایقه و همکاری مؤثر کشورهای ساحلی است؛ زیرا نجات خزر بدون مدیریت مشترک منابع آب و آلودگی ممکن نخواهد بود.



**سازندگی:** روزنامه سیاسی و اجتماعی صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران مدیرمسئول: امیراقتناعی ● سردبیر: اکبر منتجبی زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی سیدعلیرضاسیاسی‌رد، امیراقتناعی مدیره‌ه‌ری: رضا دولت‌زاده ● عکس: رضا معطریان ویراستار: سیده آرن‌فر ● حروف‌چین: سحر خسروجردی نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ توزیع: نشر گستر امروز: ۶۹۱۳۳۰۰۰

#### آگهی تحدید حدود

چون از شش دانگ پلاک یک اصلی شهر کرد بخش ۵ کرمانشاه شهرستان دالاهو تحدید حدود به عمل نیامده است. لذا نسبت به پلاک ذیل طبق ماده ۱۴ قانون ثبت اسناد و املاک در موعد ذکر شده تحدید حدود به عمل خواهد آمد. لذا بدینوسیله از کلیه مجاورین و کسانی که نسبت به تحدید حدود اعتراض دارند برابر ماده ۲۰ قانون ثبت اسناد و املاک تا ۳۰ روز اعتراض خود را از تاریخ تحدید حدود کتبا به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند در غیر این صورت حق آنها ساقط خواهد شد. ۱- آقای عزت اله ولدبیگی فرزند عزیز بگ نسبت به ۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۶۷۲٫۵۴ متر مربع احدات در قسمتی از پلاک یک اصلی کرد غرب بخش ۵ کرمانشاه به آدرس کرد در روز ۰۶/۰۷/۱۴۰۵ تحدید حدود بعمل خواهد آمد. تاریخ انتشار: ۱۵/۰۶/۱۴۰۵

فرزاد میر رجبی - رئیس ثبت دالاهو

#### آگهی تحدید حدود

چون از شش دانگ پلاک یک اصلی روستای کرد بخش ۵ کرمانشاه شهرستان دالاهو تحدید حدود به عمل نیامده است. لذا نسبت به پلاک ذیل طبق ماده ۱۴ قانون ثبت اسناد و املاک درموعد ذکر شده تحدید حدود به عمل خواهد آمد.لذا بدینوسیله از کلیه مجاورین و کسانی که نسبت به تحدید حدود اعتراض دارند برابر ماده ۲۰ قانون ثبت اسناد و املاک تا ۳۰ روز اعتراض خود را از تاریخ تحدید حدود کتبا به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند در غیر این صورت حق آنها ساقط خواهد شد. ۱- آقای شمس اله کرم زاده فرزند یاور نسبت به ۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۲۸۸٫۱۲۲ متر مربع احدات در قسمتی از پلاک یک اصلی کرد غرب بخش ۵ کرمانشاه به آدرس کرد روستای گونداه خور در روز ۰۵/۰۷/۱۴۰۵ تحدید حدود بعمل خواهد آمد. تاریخ انتشار: ۱۵/۰۶/۱۴۰۵

فرزاد میر رجبی - رئیس ثبت دالاهو

شناسه آگهی ۲۲۶۰۹۹۷ نوبت دوم

  
P.M.O

**نقل و انتقال**  
**لنج باری به شماره ثبت ۱۲۷۸۹- بندر عباس**

به استناد رونوشت سند شماره ۵۰۵۴۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۴ با شناسه سند ۱۴۰۵۱۱۴۵۶۹۷۶۰۰۰۰۴ دفتر اسناد رسمی ۲۱ دلوار آقای یعقوب آشوری فرزند خضر تمامی شش دانگ سهام خود در مالکیت لنج باری به شماره ثبت ۱۲۷۸۹- بندرعباس را به آقای عبدالحکیم جهادپور فرزند مرادک انتقال قطعی داده است.

مراتب به استناد ماده ۲۵ قانون دریایی ایران آگهی می گردد.

حوزه ثبت ملک سنگر

**آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۸۰۱۸۰۱۶۶۶۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۱ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سنگر، تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خاتم خدیجه ملانی فرزند صفر بشماره شناسنامه ۵۵۴ صادره از ایران در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۸۴۲۱/۵۹ متر مربع پلاک فرعی ۸۴۹ از ۴ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک فرعی از ۴ اصلی بخش ۱۲ گیلان واقع در سروندان خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نموده و گواهی مربوطه را به این اداره ارائه نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۳۷۰۶ شناسه ۲۲۵۱۴۰۵ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵

یداله قاسم زاده  
رئیس ثبت اسناد و املاک سنگر

حوزه ثبت ملک سنگر

**آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۸۰۱۸۰۱۳۳۴۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۶ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سنگر، تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضیخاتم محبوبه دست نشان فرزند علی اکبر بشماره شناسنامه ۷ صادره از ایران در دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۲۹۱/۱۴ متر مربع پلاک فرعی ۷۵۹ از ۴ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک فرعی از ۴ اصلی بخش ۱۲ گیلان واقع در سروندان خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نموده و گواهی مربوطه را به این اداره ارائه نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۳۷۰۴ شناسه ۲۲۵۱۴۱۶ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵

یداله قاسم زاده  
رئیس ثبت اسناد و املاک سنگر

حوزه ثبت ملک سنگر

**آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۸۰۱۸۰۱۳۳۵۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۶ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سنگر، تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی خاتم یگانه دست نشان فرزند محمد بشماره شناسنامه ۰ صادره از ایران در دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۲۹۱/۱۴ متر مربع پلاک فرعی ۷۵۹ از ۴ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک فرعی از ۴ اصلی بخش ۱۲ گیلان واقع در سروندان خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نموده و گواهی مربوطه را به این اداره ارائه نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۳۷۰۷ شناسه ۲۲۵۱۴۰۰ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵

یداله قاسم زاده  
رئیس ثبت اسناد و املاک سنگر

**آگهی تحدید حدوداختصاصی**

چون عملیات تحدید حدود ششدانگ پلاک ۷۲۳۰ فرعی از ۲۰ اصلی واقع در میگون رودبار قصران بخش ۱۱ تهران به عمل نیامده است، لذا برحسب درخواست کتبی مالک آقای جواد منوچهری نیافرزند اکبر به شماره شناسنامه ۲۷ به شماره ملی ۰۴۵۳۱۷۴۶۱۲ صادره از شمیران در تاریخ ۱۳۰۵/۰۷/۱۳ روز شنبه ساعت ۹ صبح در محل شروع و به عمل خواهد آمد بنابراین چنانچه مالکین مشاعی و مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل هستند می توانند مستندا به تبصره ۲ ماده واحده تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی مصوب ۱۳۷۳/۰۲/۲۵ مجلس شورای اسلامی موضوع ماده ۱۶ قانون ثبت اعتراض خود نسبت به تحدید حدود را ظرف مدت ۳۰ روز کتبا به اداره ثبت قشم تسلیم و سپس ظرف مدت یک ماه دادخواست خود را به دادگاه عمومی حوزه مربوطه تسلیم و رسید آن را به اداره ثبت قشم ارائه نمایند در غیر این صورت پس از سپری شدن مدت واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت به نام مالکان طبق مقررات اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار: یکشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۱۵  
۱۳۴۱۲ م الف  
رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قشم -امیرحسین آذرنیان  
شناسه آگهی ۲۲۵۷۱۲۴

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی  
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد  
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر پرونده شماره ۰۶۳۷-۱۴۰۴ و رای شماره ۰۵۷۶۶-۱۴۰۵۶۰۳۰۷۰۰۵۰ مورخه ۱۴۰۵/۰۴/۲۷ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم مریم گریوانی فرزند با محمد به شماره ملی ۰۶۸۱۸۴۲۱۵۶ در شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۹۱۷/۳۹ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۴۲ -فرعی از ۱۱۶ اصلی واقع در (ارگ) بخش ۲ حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد از محل مالکیت ثبتی محمد کچرانلویی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.شناسه آگهی ۲۲۶۲۳۷۸ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۳۰

علیرضا حاج محمدی - رئیس ثبت اسناد و املاک

علیرضا حاج محمدی - رئیس ثبت اسناد و املاک

حوزه ثبت ملک سنگر

**آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۴۰۵۱۶۶۶۴ ۱۸۰۱۸۰۴۶۰۳۱۸۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۱ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سنگر، تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای سید رضا مدنی فرزند سید حسن بشماره شناسنامه ۵۲۵۶ صادره از ایران در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۸۴۲۱/۵۹ متر مربع پلاک فرعی ۸۴۹ از ۴ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک فرعی از ۴ اصلی بخش ۱۲ گیلان واقع در سروندان خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نموده و گواهی مربوطه را به این اداره ارائه نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۳۷۰۵ شناسه ۲۲۵۱۴۱۰ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵

یداله قاسم زاده  
رئیس ثبت اسناد و املاک سنگر

حوزه ثبت ملک سنگر

**آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۸۰۱۸۰۱۳۳۵۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۶ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سنگر، تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی خاتم زهرا دست نشان فرزند محمد بشماره شناسنامه ۰ صادره از ایران در دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۲۹۱/۱۴ متر مربع پلاک فرعی ۷۵۹ از ۴ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک فرعی از ۴ اصلی بخش ۱۲ گیلان واقع در سروندان خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نموده و گواهی مربوطه را به این اداره ارائه نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۳۷۰۸ شناسه ۲۲۵۱۳۹۰ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵

یداله قاسم زاده  
رئیس ثبت اسناد و املاک سنگر

اداره ثبت اسناد و املاک بندر گناوه  
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیتی ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی**

برابرای شماره ۱۴۰۴۵۷۰۳۲۴۰۰۱۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندر گناوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خاتم سحر زارعی فرزند عباس به شماره شناسنامه ۱۳۹۴ که ملی ۲۵۳۹۸۸۷۵۵۵ صادره از گناوه را نسبت به ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین کشاورزی مساحت ۱۰۹۸ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۳۶۲ واقع در قلع حیدر گناوه خریداری مع واسطه از آقای ناصر علیپور و شرکاء محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به مراجعه ذیصلاح قضایی نمی باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۳۰

محمد چهانبار  
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گناوه  
از طرف، عبدالحسین بکنکش

شناسه آگهی ۲۲۶۴۹۲۰

حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۲ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۵۲۴۰۰۱۰۱۵۲۴۰۳۱۸۰۰ مورخه ۱۴۰۵/۰۵/۲۵ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت، تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای کیوان طاهریان به شماره ملی ۰۰۷۰۵۹۴۶۲۷ فرزند محمد در ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۰۰۰۰ متر مربع به شماره ۱۰۶۰ فرعی مجزی از ۱۵۲ از اصلی ۱۷ واقع در بخش ۴ گیلان حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت، نام مالک رسمی اولیه کریم زارع، احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی به متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۴۱۰۹ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۳۱

غفار فرزانه  
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک رشت

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی  
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد  
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر پرونده شماره ۱۵۷۱ -۱۴۰۴ و رای شماره ۰۵۰۶۲۳۱-۱۴۰۵۶۰۳۰۷۰۰۵۰ مورخه ۱۴۰۵/۰۵/۰۳ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم گل صبا فیروزه فرزند محمد به شماره ملی ۰۶۸۰۵۶۷۱۲۷ در شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۶۸ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۴۲۱ فرعی از ۱۱۴ اصلی واقع در (فیروزه) بخش ۲ حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد از محل مالکیت ثبتی عیسی خان فرزند محمد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.شناسه آگهی ۲۲۶۰۸۰۱ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۳۰

علیرضا حاج محمدی - رئیس ثبت اسناد و املاک

علیرضا حاج محمدی - رئیس ثبت اسناد و املاک

علیرضا حاج محمدی - رئیس ثبت اسناد و املاک